درآمدی بر اصول و مبانی صنعت و فنآوری اسلامی برگرفته از قرآن کریم (نسخه پیش نویس)

حرف اول :

بعد از گذشت سی و سه سال از انقلاب اسلامی ایران امروزه صنایع کوچک و بزرگ فراوانی در ام القرای جهان اسلام شکل گرفته است و برخی نیازهای جامعه اسلامی را برطرف کرده است. اما به راستی این صنایع زیبنده ی جامعه ای که برای برپایی احکام قرآن بنا شده است هستند؟ در این مقاله در پی آن هستیم که با کمک منبع وحیانی عظیمی مانند قرآن کریم و با کمک گرفتن از احادیث و گفته های بزرگان جهان تشیع کند و کاوی در چیستی صنعت اسلامی در حد وسع اندک خود داشته باشیم بلکه فتح بابی باشد برای بحث فقه صنعت که از لوازم هر حکومت آخرالزمانی اسلامیست. در آغاز به ضرورت آغاز بحث فقه صنعت می پردازیم و در ادامه به ارتباط قرآن کریم و صنعت به معنای امروزی خواهیم پرداخت. پس از آن به مصادیق فناوری های صنعتی موجود در اسلام نگاهی می اندازیم و تلاش خواهیم کرد که از آیات الهی شاخص ها و ضوابطی برای صنعت اسلامی استخراج کنیم. در جای جای مقاله به احادیث و گفته های بزرگان جهان شیعه هم استناد خواهیم داشت و برخی از این گفته ها را ذیل شاخص های به دست آمده از قرآن کریم بررسی خواهیم کرد.

کلید واژه ها: صنعت، اسلامی ، فقه، تکنولوژی، قرآن، حدیث، فن آوری

# ضرورت بحث فقه صنعت

تا جایی که نگارنده حقیر مطلع است اولین شخصیت معاصری که واژه فقه صنعت را به کار برد و ضرورت آن را در عصر حاضر گوشزد نمود علامه محمد تقی جعفری بود[[1]](#footnote-2) و بعد ها برخی از دیگر محققین نیز به ضرورت تدوین فقه صنعت اشاره کردند. از جمله حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه در مصاحبه با هفته نامه صبح صادق درباره تحول در حوزه و دیدگاه امام خامنه ای می گوید:

اكنون حوزه بيشتر در مباحث فقهي به مباحث متعارف فقهي طهارت تا ديات مي پردازد، يعني آنچه كه امروز در شرح لمعه يا در شرايع وجود دارد در حالي كه جامعه ما كه حكومت ديني تشكيل داده به شدت نيازمند به عرصه هاي ديگر فقهي است، يعني فقه توسعه، فقه صنعت، فقه تكنولوژي، فقه فرهنگ (كه در درون فقه فرهنگ بحث هاي فقه موسيقي و امثال ذلك وجود دارد)، فقه پزشكي و... نيازهاي ضروري جامعه امروز ما به شمار مي آيد. ديدگاه مقام معظم رهبري(حفظه الله) اين است كه وقتي كه حوزه مي خواهد پيرامون فقه كار پژوهشي، آموزشي و تبليغي انجام دهد بايد همه اين عرصه هاي جديد را مد نظر قرار دهد فقط بحث متعارف طهارت تا ديات را نبايد مورد توجه قرار دهد.[[2]](#footnote-3)

همچنین حجت الاسلام حجت الله بیات نیز در مجله مبلغان[[3]](#footnote-4) می نویسد :

با توجه دقیق و همه جانبه به ارکان اعتقادی و احکام مکتب اسلام، این حقیقت اثبات می‌شود که ما در اسلام، فقهی که محدود و منحصر به بیان کیفیت و کمیت رابطه شخصی انسان با خدا، یعنی عبادات می‌باشد، نداریم؛ بلکه تمامی اعمال و شؤون حیات معقول انسانها در قلمرو فردی و اجتماعی - که یگانه عامل سعادت دنیوی و اخروی بشریت است - مشمول فقه به معنای حقیقی آن می‌باشد؛ بنابراین، فقه اسلامی شامل بخشهای زیر است:

فقه ارتباطات بین الملل، فقه صنعت، فقه سیاست، فقه فرهنگ، فقه مدیریت، فقه جهاد و دفاع، فقه علوم، فقه اکتشافات، فقه مبارزه با ظلم و فساد، فقه تشویق و تحریک به بایستگیها، فقه مبارزه با ناشایستگیها، فقه آینده نگری، فقه تکنولوژی، فقه هنر، فقه رسانه، فقه تعلیم و تربیت، فقه اطلاع رسانی، فقه تبلیغات و فقه اطلاعات به آنچه در دنیا می‌گذرد و ...

اما در باب تخصصی شدن فقه دینی نیز بزرگانی چون آیت الله حائری یزدی در صد سال پیش[[4]](#footnote-5) و شهید بزرگوار مرتضی مطهری[[5]](#footnote-6) در حدود سه دهه پیش این ضرورت را مطرح کرده اند. درباره علت و ضرورت تخصصی شدن فقه شیعه همین بس که امروزه با توجه به گسترش عرصه نویسندگی و پژوهش به قدری درباره هر یک از ابواب و موضوعات زندگی سخن های گوناگون گفته شده است که یک نفر حتی فرصت نمی کند همه آن ها را بخواند چه این که بخواهد به همه شبهات موجود در همه موضوعات پاسخ گوید و بر بحث های باز شده تحت عناوین مختلف در موضوعات گوناگون اشراف داشته باشد و بتواند با قدرت تحلیل و بررسی و تطبیق احکام دینی حکم این عناوین را استخراج کند.

شهید مطهری در این‌باره میگوید :

در وضع حاضر باید علماء و فقهاء این زمان، رشته‌های تخصصی بوجود آورند و مردم هم در تقلید، تبعیض كنند همان طوری كه در رجوع به طبیب تبعیض می‌كنند.[[6]](#footnote-7)

البته توجه داشته باشید که در مقاله حاضر موضوع فقه صنعت برای اولین بار بررسی نمی شود و پیشتر بزرگانی همچون آیت الله جوادی آملی درباره دیدگاه اسلام درباره صنعت مطالب نابی را از قرآن کریم استنباط نموده اند ، به عنوان مثال ایشان می گوید :

اصل فرایند صنعتی در حکومت اسلامی ممدوح و مورد ترغیب است... مهم ترين بهره درست از صنايع پيشرفته هر عصر، عبارت است از تامين نيازهاى علمى و عملى مردم آن عصر. آنچه در قرآن ياد شد، جنبه «تمثيل » دارد نه «تعيين »; يعنى در قرآن، مثال بهره ورى صحيح از صنعت بازگو شده نه آنكه استفاده درست از صنعت، منحصر در همين چند مورد (مثالهای ذکر شده از صنعت در قرآن کریم مانند کشتی و زره و ...) باشد...استفاده از تكنولوژى در تمام امور سازنده و سودمند رواست، ولى بهره بردارى از آن در امور تخريبى، و تهاجمى، و سوزنده، و كشنده، و تباه كننده زمين، دريا، هوا، گياهان، جانوران، انسان ها، مناطق معمور، و...، هرگز روا نيست.[[7]](#footnote-8)

ان شاء الله این مقاله فتح بابی باشد برای بحث هایی چون:

شاخص های صنعت الهی ، اهداف صنعت اسلامی، صنایع محرمه ، اخلاق صنعتگری و حدود الهی در صنایع و ...

امام راحل عظیم الشأن نیز تفاوت صنعت اسلامی را با صنعت کنونی جهان متذکر می شوند و می فرمایند :

آيا صحيح‏ است كه چون آنها موشك درست مى‏كنند ما بايد تابع آنها باشيم، در حالى كه آنها با اين صنعت‏ها دنيا را تخريب مى‏كنند و ما مى‏خواهيم صنعتى داشته باشيم كه تخريبگر نباشد، بلكه مفيد و سازنده باشد .[[8]](#footnote-9)

امام خامنه ای در دیدار فروردین 89 با مدیران و فعالان صنعت می فرماید:

صنعت ميتواند يك صنعت پيشرفته باشد، در عين حال ملاحظات دينى، ملاحظات اخلاقى، ملاحظات انسانى در صنعت كاملاً رعايت بشود. ما ميخواهيم شما صنعتگران كشورمان، مديران صنعت، نماد اين حقيقت باشيد. پايبند به دين و در همان حال و به همان استناد، پايبند به پيشرفت جهشى صنعت.[[9]](#footnote-10)

البته اخیرا ستادی به نام صافا[[10]](#footnote-11) (صنعت ایرانی فرهنگ اسلامی) در وزارت صنایع حسب تاکیدات امام خامنه ای در دیدار مورخ 9 فروردین 89 و الزام ایشان به وزیر برای پیوست فرهنگی داشتن پروژه های صنعتی، در آبان ماه 89 تاسیس شده است و برای آن اهداف خوبی نیز ترسیم شده است. حجت الاسلام علی لقمان پور مشاور فرهنگی وزیر صنایع و معادن و رییس ستاد صافا می گوید :

در قالب این طرح به‌دنبال دستیابی به الگوهای اسلامی در راه‌اندازی واحدهای صنعتی در داخل و خارج از کشور هستیم و در پی آنیم که نظر استادان حوزه‌های علمیه درباره چگونگی اجرای پروژه‌های صنعتی و معدنی از منظر دینی و اسلامی را جمع‌آوری کنیم. در قالب طرح صافا می‌خواهیم رابطه دین و صنعت را تعریف کنیم و به شناختی عمیق از احکام فقهی در حوزه صنعت و معدن دست یابیم. با اجرای  طرح صافا درصددیم تا رشته‌های جدیدی را در حوزه‌های علمیه برای شناخت رابطه دین با صنعت و معدن ایجاد کنیم و پایان‌نامه‌های حوزه‌های علمیه را به این سمت و سو سوق دهیم[[11]](#footnote-12)...

وی همچنین در همین مصاحبه از ایجاد گرایش فقه و صنعت در دروس حوزه علمیه قم خبر داده است و می گوید :

در این مرکز با ارتباط خوبی که با حوزه علمیه قم برقرار کرده ایم به دنبال ایجاد مرکز تخصصی فقه و صنعت هستیم.[[12]](#footnote-13)

که امیدواریم ان شاء الله این ستاد نیز در سوق دادن صنعت کشور به سمت یک صنعت اسلامی و الهی توفیقات روز افزون داشته باشد.

علاوه بر ستاد صافا در فضای مجازی موسسه ای به نام موسسه فناوری های قرآنی امام جعفر صادق (عليه السلام) نیز سايتي تاسيس كرده است كه خود را در اين سايت[[13]](#footnote-14) چنين معرفي كرده است:

چشم انداز مؤسسه: دستیابی به فنآوری های روز دنیا و آینده با تکیه بر استفاده از قرآن کریم

اهداف مؤسسه: 1. شناسایی فنآوری های روز دنیا بر پایه قرآن و عترت 2. معرفی فنآوری های موجود در قرآن به جامعه تحقیقاتی اسلامی 3. تربیت قرآن پژوهان و تحویل آن به جامعه اسلامی 4. ارایه راههای تقابل فرهنگی با استفاده از فنآوری های قرآنی

مأموریت مؤسسه: 1. شناسایی و معرفی مفاهیم فنآوریهای قرآنی 2.ارایه متدولوژی شناسایی فنآوریها از طریق مطالعه منابع قرآنی 3. تحلیل و مقایسه فنآوریهای روز دنیا به فنآوریهای استخراج شده از قرآن 4. معرفی جامعه اسلامی قرآنی با استفاده از فنآوریهای قرآنی به جهان 5.آموزش و پرورش نیروهای قرآن پژوه

عناوین فعالیت ها: 1.در حوزه پژوهش الف) تعریف پروژه های قرآنی به منظور شناسایی مفاهیم اولیه فنآوری در قرآن ب) تعریف پروژه مطالعاتی در خصوص نگاه غرب به قرآن و مقایسه آن با نگاه مسلمانان 2.در حوزه آموزش الف) آموزش مفاهیم اولیه قرآنی ب) آموزش کشف فنآوری روز از دیدگاه قرآن

امیدواریم به زودی از این دوستان هم پژوهش ها و خروجی های ارزشمندی ببینیم.

عنوان فناوری اسلامی نامی است که پیشتر نیز در برخی کتابها مانند تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی[[14]](#footnote-15) بکار برده شده است. در واقع این کتاب فناوریهایی را که در دوره تمدن اسلامی در ممالک اسلامی رشد و توسعه یافته است بررسی کرده است و نشان داده است بسیاری فناوریهایی که غرب موذیانه درباره آنها هیچ اسمی از ماخذ و منبعش نمی برد از جهان اسلام گرفته شده است. متاسفانه کتابهای غربی در این زمینه با تحریف تاریخ به جای حرف از تمدن اسلامی به عنوان مبدآ پیشرفت تکنولوژیکشان سعی می کنند با طرح اسامی ای مانند داوینچی و گالیله و ارشمیدس و ... ذهن مخاطب را از فهم این که بسیاری از این تکنیک ها در جهان اسلام کشف شده است بازدارند. موضوع مقاله ما البته بحث از مصادیق تکنولوژیک بوجود آمده در دنیای اسلام نیست و بحث ما بیشتر مبانی مفهومی و معرفتی فناوری و صنعت اسلامی است نه تاریخ فناوریها و صنایع مسلمانان.

جالب آنجاست فناوریهای تاریخی تمدن اسلامی در پیشرفته ترین سطوح خود که سامانه های آبرسانی طراحی شده توسط الجزری هستند نیز از نیروی حیوانات برای تامین انرژی سامانه خود استفاده می کردند.[[15]](#footnote-16)

ممکن است گفته شود که در حال حاضر بسیاری از صنایع کشور از صنایع غربی که در آنها انواع جهالت ها مشاهده می شود الگوبرداری شده اند و بسیاری از افراد جامعه به کاربرد این صنایع عادت کرده اند برای این مشکل چه راه حلی لازم است؟ بهترین پاسخ به این سوال را آیت الله ناصر مکارم شیرازی داده است:

مردم جهان بايد به اين حد از رشد اجتماعى برسند كه بفهمند پيشرفت تكنولوژى الزاماً به مفهوم پيشرفت بشريّت و تأمين‏ خوشبختى انسانها نيست؛ بلكه تكنولوژى پيشرفته تنها در صورتى ضامن نيكبختى و سعادت است كه زير چتر يك سلسله اصول معنوى و انسانى استقرار يابد و الّا- همان گونه كه بارها ديده‏ايم- بلا آفرين خواهد بود و مايه ويرانگرى است.مردم جهان بايد دريابند صنايع اگر به صورت بتى در آيند برحجم مشكلات كنونى افزوده خواهد شد و به ابعاد ويرانى و ضايعات جنگها وسعت مى‏بخشد؛ بلكه بايد به شكل ابزارى در آيند تحت كنترل انسانهاى شايسته.[[16]](#footnote-17) قيام يك مصلح بزرگ براى استقرار عدل و آزادى در سراسر جهان هيچ گاه سبب نمى‏شود كه جنبش صنعتى و ماشينى در شكل سالم و مفيدش بر چيده يا متوقّف شود... ولى شك نيست اين جنبش صنعتى و تكامل تكنولوژى الزاماً بايد از يك صافى دقيق بگذرد تا جنبه‏هاى ناسالم و زيانبخش آن حذف گردد، و سرانجام در مسير منافع انسانها و صلح و عدالت بسيج شود؛ يك حكومت طرفدار حقّ و عدالت اين كار را حتماً خواهد كرد.[[17]](#footnote-18)

استاد اصغر طاهرزاده درباره راه حل مشکل صنایع و فناوری های این عصر می گوید:

بايد زندگي انسان‌ها نظر و نسبتي با حق و حقيقت پيدا كند تا بحران‌ها به تعادل تبديل شود و «عقلِ هدايت»، عنان عقل تكنيكي را در دست بگيرد و با علم به اعيانِ اشياء، در طبيعت تصرف كند و اصالت را به عالم غيب بدهد و عالم شهادت را تابع آن بداند وگرنه بحران‌ها همچنان ادامه خواهد يافت.[[18]](#footnote-19)

ایشان در جای دیگری درباب ضرورت تصفیه تکنولوژی می گوید:

بايد غفلت نکنيم که هر تکنولوژي بر اساس فرهنگ و هدفي خاص ساخته شده و در هر جا آورده شود ناخودآگاه روح خود را نيز با خود مي‌آورد ...اگر از روح حاکم بر تکنولوژي غافل شويم و بدون هيچ گزينش و کنترلي تسليم آن گرديم از اسلام و حکومت اسلامي جز پوسته‌اي بي‌روح نخواهد ماند و زحماتي که در پديدآوردن نظام اسلامي صرف شده با ناکامي همراه خواهد شد. که از وقوع آن به خدا پناه مي‌بريم.[[19]](#footnote-20)

در جای دیگری باز هم ایشان اشاره می کنند:

اگر کسي تکنولوژي را امري خنثي تلقي کند به بدترين صورت تسليم آن خواهد شد.[[20]](#footnote-21)

# رابطه صنعت و قرآن کریم:

قرآن کریم کتاب هدایت بشر به راه حقیقی رسیدن به کمال فردی و اجتماعیست. شکی نیست که خدای متعال که خود خالق و طراح نظام خلقت است بهتر از هر کس بر ربوبیت انسان ها در این عالم و تامین مقصود خود از خلقت آنها تواناست. از همین باب قرآن کریم که آخرین کتاب نازل شده از جانب خدای متعال است باید برای صنایع آخرالزمانی هم حرف های بدیع و عمیق و حکیمانه ای در خود جای داده باشد که به زودی خواهیم دید که حقا چنین است. قرآن کریم در باب مصادیق فن آوری هایی چون کشتی و زره و قصر و ... چنان ظرائفی را بیان کرده است که شکی نیست چراغ راه فروزانی برای هر صنعتگر مسلمانی خواهد بود.

حجت الاسلام رضایی می نویسد:

اگر قرآن سخن از "ولا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین" می فرماید و به جامعیت احکام ، اعتقادات و معارف الهی اشاره می کند؛ نمی توان تصور کرد که این جامعیت، جدا از ظرف تاریخ و صرفا برای مقطعی خاص ( همچون زمان نزول وحی و تخاطب میان عبد و معبود) معنا پیدا می کند. اصولا با توجه به خاتم بودن دین اسلام و بسته شدن باب وحی، این استدلال تقویت می شود؛ که احکام اسلام باید برای تمام زمان ها و شرایط اجتماعی، از قابلیت لازم برای انطباق برخوردار باشد.[[21]](#footnote-22)

# هدف از صنعت در اسلام :

هدف ها را در نظام ارزشی اسلام می تواند در چند سطح نگاه کرد. مثلا در باب انفاق شما هم می توانید بگویید هدف جلب رضایت خداست(آیه 8 سوره مبارکه إنسان "وَ يُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلى‏ حُبِّهِ مِسْكيناً وَ يَتيماً وَ أَسيرا"ً یا آیه ی 265 سوره مبارکه بقرة "وَ مَثَلُ الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ") ، هم می توانید بگویید هدف رشد خود انسان و دل کندن از دنیاست (نایل شدن به بر: سوره مبارکه آل‏عمران آیه 92 "لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّون") و هم می توانید بگویید که مبارزه با فقر و رشد و تعالی جامعه اسلامی است و همه ی این اهداف در سطوح مختلف صحیح و منطقی هستند. در باب صنعت نیز می توان هدف را در چند سطح دسته بندی کرد:

سطح یک - علامه طباطبایی در کتاب شریف المیزان در باب هدف از بکارگیری ابزارها می نویسد :

انسان هر چيزى را جهت انتفاع استخدام مى كند (واجب است هر چيزى را كه در طريق كمال او مؤثر است استخدام كند). به عبارتى ديگر، اين اذعان است كه بايد به هر طريقى كه ممكن است به نفع خود و براى بقاى حياتش از موجودات ديگر استفاده كند، و به هر سببى دست بزند، و بهمين جهت است كه از ماده اين عالم شروع كرده ، آلات و ادواتى درست مى كند، تا با آن ادوات در ماده هاى ديگر تصرف كند، كارد و چاقو و اره و تيشه مى سازد، سوزن براى خياطى ، و ظرف براى مايعات ، و نردبان براى بالا رفتن ، و ادواتى غير اينها مى سازد، كه عدد آنها از حيطه شمار بيرون است ، و از حيث تركيب و جزئيات قابل تحديد نيست ، و نيز انواع صنعت ها و فنونى براى رسيدن به هدف هائى كه در نظر دارد مى سازد.[[22]](#footnote-23)

سطح دو – در نگاه دیگری می توان گفت هدف از بکارگیری فن آوری و استفاده از صنایع ساخت بشر ابتغای فضل الهیست، برای مثال خدای متعال دراین باره، هدف از نعمت کشتی برای بشر را چنین ذکر می کند :

وَ هُوَ الَّذي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْماً طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَها وَ تَرَى الْفُلْكَ مَواخِرَ فيهِ وَ **لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ** وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (نحل 14)

رَبُّكُمُ الَّذي يُزْجي‏ لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ **لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ** إِنَّهُ كانَ بِكُمْ رَحيماً (إسرا 66)

وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّياحَ مُبَشِّراتٍ وَ لِيُذيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَ **لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ** وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (روم 46)

سطح سه – تذکر انسان : در سطح دیگری هدف از افعال صنعتی نیاز انسان به فعل از باب تذکر است مثلا خدای متعال در ذیل آیه ی شریفه ای درباره نزول لباس برای انسان به کاربرد تذکری این لباس اشاره می کند و با تشبیه بدیع لباس تقوی و عبارت لعلهم یتذکرون به صورت کنایی کاربرد تذکری لباس را برای تقوا بیان می دارد.

يا بَني‏ آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنا عَلَيْكُمْ لِباساً يُواري سَوْآتِكُمْ وَ ريشاً وَ **لِباسُ التَّقْوى‏** ذلِكَ خَيْرٌ ذلِكَ مِنْ آياتِ اللَّهِ **لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ** (اعراف 26)

از این آیه چنین بر می آید که برخی از محصولات صنعتی کارکرد تذکری دارند و یکی از اهداف برخی صنایع تولید محصولاتی است که انسان را به برخی مفاهیم و معانی و آموزه های الهی مانند تقوا متذکر کند. همچنین بعضی افعال انسان در کره زمین مانند عمارت بیت و مسجد ، چوپانی ، کشاورزی ، اسب سواری و ... تنها خود ساخت خانه و مسجد ، تولید محصول کشاورزی ، پرورش گوسفند ، حمل و نقل انسان و بارش به مقصد موضوعیت ندارد بلکه تذکر انسان به برخی حقایق نیز موضوعیت دارد. ممکن است این بحث حسب جدید بودن آن برای برخی دوستان مبهم باشد در ادامه به تشریح اهداف تذکری از برخی افعال انسان می پردازیم :

## الف) تذکرات ناشی از عمارت بیت و مسجد :

تذکری که از عمارت بيت و مسجد انسان بايد بگیرد اين است که بفکر عمارت وجود خود بيافتد و همانگونه که در زمين مسجد مي سازد وجود خود را نيز مسجد الهي بسازد. البته همان طور که پیشتر اشاره کردیم هدف تذکری تنها هدف نیست بلکه یکی از سطوح هدف از صنایع است که البته نباید نادیده گرفته شود و هیچگاه صرف عمارت نباید هدف انسان قرار گیرد چه این که خدای متعال درباره اقوام پیشین به این قضیه اشاره می کند که آنان در عمارت زمین از شما پیشی گرفتند و این پیشی گرفتن به معنای فضیلت بیشتر اقوام گذشته بر شما نیست. در پایان مقاله دوم ان شاء الله بحث مفصلی درباره عبارت و استعمرکم فیها خواهیم داشت.

## ب) تذکرات ناشی از کشاورزی :

در بحث تذکرات ناشی از کشاورزی حرف برای گفتن زیاد است و تذکرات کشاورزی به قدری زیاد است که عموما مردمان کشاورز روستاهای قدیم کم پیش می آمد که از بینش توحیدی فاصله بگیرند. یک کشاورز همان گونه که اثر خالقیت خدای متعال و رویانندگی زنده از مرده را در کشاورزی می بیند به همان اندازه با نگاه به آسمان و در انتظار ابرهای زنده کننده ماندن درس "و فی السماء رزقکم و ما توعدون (ذاریات 22)" را می آموزد حال اگر کسی برای دانستن وضع هوا به جای نگاه به آسمان به برنامه های پیش بینی وضع هوای تلویزیون نگاه کرد این نگاه دیگر اثر معنوی نگاه به آسمان و درک آیه فوق را نخواهد داشت. یقینا بی دلیل نبوده است که همه پیامبران به جز یک پیامبر به امر زراعت اشتغال داشته اند. در کنار این قضایا کشاورز درس صبر و عجله نکردن را هم در کنار طی شدن مراحل رشد گیاه و به بار نشستن آن از نزدیک فرا می گیرد و اگر درختکاری را هم در نظر بگیریم با هرس کردن درختان کشاورز مجبور به تفکر و آینده نگری و تدبر در آینده درختان خواهد شد و بی شک باید با در نظر گرفتن شکل آینده ی درختان از امروز به هرس آنان اقدام کند. حال اگر کشاورزی را مکانیزه کردیم و با دستگاه ها و ربات ها قضیه ی کشاورزی به جلو رفت با این که هدف مشهور فعل حاصل می شود اما انسان از کلاس درسی که قرار بود با انجام فعل کشاورزی در آن حضور یابد محروم می شود. فلذا قرآن کریم تنها اثاره ارض را که می تواند آدمی را به یاد اثاره عقل )ليثيرو لهم دفائن العقول[[23]](#footnote-24)) بیاندازد را هدف نمی داند و در آیه ی زیر می فرماید که بودند اقوامی پیش از شما که در اثاره ارض از شما پیشی گرفته بودند و در عین حال به نفوس خود ظالم بودند و به فکر ساخت تربیت نفوس خود و تعالی این نفوس نبودند.

أَ وَ لَمْ يَسيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً **وَ أَثارُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوها أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوها** وَ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ فَما كانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لكِنْ كانُوا **أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ** (روم 9)

در جای دیگری قرآن کریم برای ذکر مشخصات گاو بنی اسرائیل به ویژگی عدم اثاره زمین توسط این گاو اشاره می کند[[24]](#footnote-25) که خود نشان از به رسمیت شناختن فعل اثاره توسط گاو در بحث کشاورزیست. دقت داشته باشید در بحث اثاره با گاو آدمی پشت گاو آهن و به عنوان هادی آن قرار می گیرد و عموما در شخم زنی با تراکتور آدم روی تراکتور نگاهش به جلوست و به فرایند شخم زنی نگاه نمی کند که این خود نشانه ای است که بشر غربی حظ خود را از مشاهده ی این فرآیندها فراموش کرده است. البته این اولین فراموشی آنها نیست و قرآن کریم با عبارت (نسو حظا مما ذکروا به ) آنها را به خاطر فراموش کردن بهره شان از کتاب خدا و ابزار گرفتن این کتاب برای حکومت های جاهلانه بر مردم توبیخ می کند.

در جای دیگری خدای متعال آدمی را به نظاره بر رسیدن و ثمر دادن درختان میوه فرا می خواند تا نشانه های الهی را در این تغییر مشاهده کنند. شکی نیست که این نظاره فقط برای حجیت وجود خدا و یا قدرت خدا نیست و چه بسا مانند قضیه ی لباس تقوای آیات تذکری برای انسان در این فرایند نیز مد نظر باشد.

وَ هُوَ الَّذي أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ كُلِّ شَيْ‏ءٍ فَأَخْرَجْنا مِنْهُ خَضِراً نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَراكِباً وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِها قِنْوانٌ دانِيَةٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنابٍ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَّانَ مُشْتَبِهاً وَ غَيْرَ مُتَشابِهٍ **انْظُرُوا إِلى‏ ثَمَرِهِ إِذا أَثْمَرَ وَ يَنْعِهِ إِنَّ في‏ ذلِكُمْ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ** (أنعام 99)

متاسفانه غرب برای دادن نگرش غیر الهی حتی به کشاورزان نیز بیکار ننشسته است و در همه ی تکنولوژی های جدید نه تنها تذکرات الهی افعال کشاورز و دامپرور نادیده گرفته شده است حتی نگاه او به آسمان هم با برنامه پیش بینی وضع هوای تلویزیون از او گرفته شده است . در کشاورزی مدرن امروز غرب، بشر مدرن نه تنها از دروس ناشی از آبیاری و هرس با دست و کاشت بذر و چیدن میوه و نظاره مراحل زیبای رسیدن آن محروم شده است بلکه از لذات فطری این افعال الهی نیز حظ و بهره ای ندارد و عموما انسان های مسخ شده ی تکنولوژیک امروز با رفتن به روستاها و نظاره ی درخت و میوه و زراعت به وجد فطری می آیند و از بوی خاک و محیط روستاها بسیار حس خوبی پیدا می کنند. متاسفانه این روحیات فطری بشر را به سمت "سفرهای زندگی در شرایط سخت" [[25]](#footnote-26)کشانده اند تا مبادا بشر متمدن غربی حس کند که می توان در آغوش طبیعت نیز زندگی لذت بخشی داشت و همواره از طبیعت بترسد و در آن به سختی و مشکل بربخورد.

## ج) تذکرات ناشی از سوارکاری :

انسان با سوارکاری یاد می گیرد که نفسی دارد که چون اسب چموش است و باید با با تربیت آن بر این نفس مسلط شود تا بتواند از نفس در مسیر سیر الی الله کمک بگیرد. اما خودرو چون موجودی مطیع است و نافرمانی از آن سر نمی زند نمی تواند روح عصیان گر و اماره به سوء نفس را به انسان نشان دهد فلذا در یادآوری سرکشی های نفس و لزوم کنترل و افسارگیری نفس به انسان کمکی نمی کند. از همین باب است که اگر شما اسب را با خودرو جایگزین کردید به نفس خود ظلم کرده اید و نفس را از کلاس درس عملی ای که برایش در سوارکاری حاصل می شود محروم ساخته اید.

وَ الَّذي خَلَقَ الْأَزْواجَ كُلَّها وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَ الْأَنْعامِ ما تَرْكَبُونَ (12) لِتَسْتَوُوا عَلى‏ ظُهُورِهِ ثُمَّ **تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ** إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحانَ الَّذي سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنينَ (زخرف 13)

البته اگر گفته شود این دروس و تعلیمات و تذکرها می تواند بوسیله درس و بحث غیر عملی هم حاصل شودپاسخ این است که هیچگاه درس و بحث تئوری و نظری اثر آموزشی فعل عملی را افاده نمی کند. مثلا شما هیچگاه با خواندن کتاب آموزش رانندگی و شنا راننده و شناگر خوبی نخواهید شد. همچنین هیچ گاه دانستن و خواندن تئوری آموزش نماز و روزه اهداف آنها را محقق نخواهد کرد و کلاس درس عملی در این موارد ضرورت دارد.

عین همین تذکر در قضیه ی شتر نیز وجود دارد و فقر سوراخ بینی شتر و افسار زدن بر آن نیز شاهدی است که تذکر خوبی برای مهار نفس و درس آن است.

## د) تذکرات ناشی از چوپانی :

در دنيا شما همواره با کساني سر و کار خواهيد داشت که سر در آخور دنيا دارند شما نبايد از آنها تقليد کنيد بلکه بايد آنها را هدايت کنيد و آگاه سازيد و از روزي خداوند بهره مندشان سازيد و بپوشانيدشان.

كُلُوا وَ ارْعَوْا أَنْعامَكُمْ إِنَّ في‏ ذلِكَ لَآياتٍ لِأُولِي النُّهى‏ (طه54)

اين که خدای متعال مي فرمايد در زمين حيواناتتان را بچرانيد يا ميوه ها را از درختان برگيريد (وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصادِهِ ( انعام 141)) نه از اين باب است که چیدن و چراندن هدف باشد بلکه بحث تعليم انسان مطرح است وگرنه خلقت که به شما نيازي ندارد و نظامش به وجود خودش قائم و پايدار و منظم است. فلذا اگر انسانها کلاسهاي خدا در خلقت را رها کنند و برخي انسان ها را به بيگاري یا افعال انحرافی صنعتی (مانند پیچ و مهره سفت کردن و نظارت بر نشانگر های دستگاه های صنعتی در کارخانه ها و کلا افعال مرسوم به عنوان شغل در کارخانه ها) بکشانند يا با دیگر تکنيکها سعي کنند با اتوماسیون و ربات و امثالهم رزق را برگيرند کسي که ضرر مي کند خود انسان است که از تعليم در کلاسهاي درس تذکر و آموزش خليفه اللهي باز مانده است و از افعالی که نفس او را متذکر می کند محروم شده است. البته این محرومیت تنها ضرر فرهنگی و اخلاقی صنایع امروز نیست و متاسفانه بسیاری از صنایع امروزی که در خود وحی شیاطین را هم همراه دارند با خود فرهنگی شیطانی و خداستیزی را برای بشر همراه آورده اند. به عنوان مثال استاد اصغر طاهرزاده می نویسد :

هر تکنيکي با فرهنگ خاصي که همراه دارد، ظاهر مي‌شود و هرجا پا مي‌گذارد فرهنگ خاص خود را به همراه مي‌آورد.[[26]](#footnote-27)

در جای دیگری ایشان می نویسد :

مشکل اين است که افراد باور ندارند که نه تنها «رسانه خود پيام است» و هرجا آمد فرهنگ خود را به همراه مي‌آورد بلکه تکنيک هم يک فرهنگ است و هرجا آمد فرهنگ و نوع زندگي مخصوص به خود را نيز به همراه مي‌آورد.[[27]](#footnote-28)... تکنولوژي در ذات خود يک فرهنگ را به همراه مي‌آورد و نبايد آن را به عنوان يک ابزار صِرف نگريست.[[28]](#footnote-29) ... القائات شيطان در روح تکنولوژي بي‌تأثير نيست، به همين جهت انسان غرب‌زده به‌جاي ارتباط با طبيعت و تعامل با آن، براي اهداف وَهمي خود با حرص و سرعتِ هرچه بيشتر به تخريب طبيعت دامن مي‌زند.[[29]](#footnote-30)

# میل طبیعی انسان به استفاده از وسیله و ابزار:

همان گونه که خدای متعال برای هر فعلی راه و چاه خاص خود را قرار داده است و فرموده است و آتو البیوت من ابوابها بشر نیز این حس را فطرتا در وجود خود دارد که برای هر کاری باید دنبال اسباب و ابزار خاص آن کار باشد.

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسيلَةَ وَ جاهِدُوا في‏ سَبيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائدة 35)

أُولئِكَ الَّذينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلى‏ رَبِّهِمُ الْوَسيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَ يَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَ يَخافُونَ عَذابَهُ إِنَّ عَذابَ رَبِّكَ كانَ مَحْذُوراً (إسراء57)

این که هدف تذکری این اسباب و وسیله گرفتن برای افعال شاید این باشد که آدمی به یاد وسیله قرار دادن اهل بیت علیهم السلام بیفتد نیز دور از ذهن نیست.

# اهداف انحرافی از صنعت :

## 1)رقابت با خدا در خلقت و نو آوری

اگر شخصی هدف از صنعت را رقابت با خدای متعال بپندارد سخت در اشتباه است چه این که خداوند چنین افرادی را با مثل زدن موجود کوچکی مانند پشه از حرکت در این مسیر باز داشته است :

يا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُباباً وَ لَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَ إِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبابُ شَيْئاً لا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ (حج 73)

هیچ فکر کرده اید چرا در شهرهای فوق تکنولوژیک و پیشرفته آمریکا مانند بخش منهتن از نیویورک هیچگاه مانند ایران درخت و بلوار و سبزه و چمن دیده نمی شود. شکی نیست یکی از دلایل، دهن کجی به خداوند و حذف تمامی آیات الهی از دید بشر است. بعضا ساختمانهای صدها طبقه ای که ساخته می شود برای آن است که آسمان در دید بشر ساکن در این شهرها قرار نگیرد و اصولا همه ی نشانه های الهی از ذهن بشر خارج شود . هرچند اگر آدمی به نفس و جسم خود بنگرد خواهد دید که حتی در بدن خود او نشانه های الهی آشکار زیادی وجود دارد. البته خدای متعال نیز در حیواناتی چون گنجشک و گربه که با شهرهای مدرن بیش از بقیه حیوانات سازگاری یافته اند همچنان آیات حیوانی خود را در معرض دید بشر قرار می دهد.

## 2) آسایش جسم و اتراف

اگر کسی هدف از صنعت را آسایش جسمی بشر بپندارد باز هم هدف را اشتباه گرفته است چه این که خدای متعال می فرماید :

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ في‏ كَبَدٍ (بلد4)

هر چند این آسایش جسمی نباید با یسر اشتباه گرفته شود و خداوند برای بشر یسر را می خواهد و می فرماید :

يُريدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُريدُ بِكُمُ الْعُسْر (بقرة 185)

اما در جایی که لازم باشد نقص ثمرات و کمبود امکانات رفاهی را یک نعمت سازنده و آگاهاننده ذکر می کند :

وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْ‏ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرينَ (بقرة 155)

الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا وَ الصَّابِرينَ فِي الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حينَ الْبَأْسِ أُولئِكَ الَّذينَ صَدَقُوا وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقرة 177)

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا إِلى‏ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْناهُمْ بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (أنعام 42)

وَ ما أَرْسَلْنا في‏ قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلاَّ أَخَذْنا أَهْلَها بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ (أعراف 94)

در قرآن کریم خدای متعال برای آخرت که محل استراحت و آسایش است همواره از ارآئک(جمع اریکه) و سرر (جمع سریر) که به معنای تخت هستند نام می برد ولی برای دنیا هیچگاه از تخت و سریر استفاده نمی کند و حتی برای سلیمان نبی (علی نبینا و آله و علیه السلام ) در مقام پادشاهی شبه اخرالزمانی از کرسی نام می برد که به معنای صندلی است و نه اریکه و سریر....

از طرفی مومنین در دنیا دائم به فکر کار و تلاش و جمع آوری عمل صالح هستند و در انجام خیرات از هم سبقت می گیرند و امر به سبقت گرفتن شده اند و این با آسایش طلبی سازگار نیست.

فَإِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ (شرح 7)

وَ لِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيها فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ أَيْنَ ما تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَميعاً إِنَّ اللَّهَ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ قَديرٌ (بقرة 148)

از طرفی خداوند اتراف را یک ارزش منفی می داند که به نوعی مترادف با آسایش غافلانه دنیوی است.

اگر آسایش جسم را هدف بگیریم آنوقت تاریخ را هم بر مبنای ابزارهای تامین کننده راحتی بشر می نویسیم، استاد طاهرزاده در این باره می گوید:

ابتدا تاريخ را طوري تفسير کردند که تکامل بشري به معني تکامل در ابزارِ توليد تلقي شد و تاريخ تمدن به عصر سنگ و مفرغ و مس و آهن و ... تقسيم شد، گفتند عصر حجر يعني عصري که انسان ابزارش را از سنگ مي‌ساخته و انسان عصر مفرغ، از او پيشرفته‌تر است، زيرا ابزار توليدش از سنگ به مفرغ تکامل يافته. در اين تحليلِ بي‌پايه اولا: هر ملّتي هراندازه هم فرومايه باشد همين‌که ابزار توليدش پيشرفته‌تر از ملت قبلي است، کامل‌تر است، حتي اگر آن ملت قوم لوط باشد با آن‌همه رذائل اخلاقي، و هر ملّتي که ابزار توليدش مربوط به گذشته است غير کامل است، هرچند پيامبر خدا يعني حضرت آدم باشد. [[30]](#footnote-31)

## 3) رفع کننده همه نیازها

اگر نگاه انسان مادی باشد و هدف از صنعت صرفا مادی شود به یک پارادکس مبتلا می شود و انسان بعد از رشد تکنولوژی به پوچی می رسد :

شهید چمران در این باره می نویسد :

دينا ناراحت و نگران است و در يك سردرگمي فرو رفته، و از عاقبت تلخ خويش وحشت دارد . انسان هايي كه از رشد روحي و اخلاقي بيﺑﻬره اند؛ بزرگترين و خطرناك ترين بمب ها در دست آﻧﻬاست، كه هر لحظه ممكن است خود را و همه انسان ها را به نابودي بكشانند. ارزش انسان از بين رفته است، و مي رود كه ز ير چرخ دنده هاي ماشين خرد شود، زيرا آنچه انسان غربي به آن متصل است، ماشين ﺑﻬتر و سريع تر انجام مي دهد. اگر ارزش انسان در قدرت جسمي او باشد، مسلمًا ماشين هايي با قدرت سرسام آور مشغول كارند كه اين انسان در مقابل آنها صفر است، هواپيماهاي سريع السيري كه هزاران بار از انسان سريع تر اند . اگر ارزش انسان به حافظه و كار دماغي اوست، كامپيوترها به مراتب قوي تر و سريع ترند، حتي كامپيوترهايي ساخته شده اند كه فكر مي كنند و طرح مي دهند و شطرنج بازي مي كنند و حتي كامپيوتر ديگري را طراحي مي كنند و مي سازند، پس ارزش انسان در كجاست؟ اگر ارزش در قدرت جسمي و هوش و حافظه و فكر و دماغ باشد ، ماشين قو ي تر و سريع تر و ﺑﻬتر از انسان است، و اين انسان بايد در پاي ماشين قرباني شود، بخصوص طرح هاي جديدي كه كامپيوتر مي تواند احساس كند و از عواطف حيواني برخوردار گردد . بنابراين بشر به كجا مي رود؟ آيا مي رود كه خود را براي هميشه نابود كند؟ و يا اسير و برده ماشين ، بي اراده و بي اختيار، به سوي سرنوشتي مبهم و مجهول به پيش برود؟ راستي امتياز انسان بر ماشين چيست؟ آنچه انسان را، هر چه ضعيف باشد، بر ماشين، هر چه قوي باشد، مزيت مي بخشد، كدام است؟ به نظر ما مزيت انسان در روح و قلب او ﻧﻬفته است كه در مكتب هاي مادي جايي ندارد! [[31]](#footnote-32)

صنعت و فنآوری هر قدر هم پیشرفته شود نهایتا نیازهای مادی انسان را پاسخ می دهد و نیازهای روحی وا می ماند:

عده ای برای دست یافتن به آرامش روان، همه ی لذتهای مادی را تجربه می کنند، ولی وقتی همه اين لذتها وکامجوییها، آنها را اشباع نکرد، به مواد آرامبخشی همچون سیگار، ترياک، هروئين، حشيش، قرصهای آرامبخش، مواد شادی آور، مشروبات الکلی، وغیره پناه می برند، واگر همه اينها آنها را إشباع نکرد به سیم آخر می زنند و خودکشی می کنند، تا به گمان خود از اين جهنمی که در آن گرفتار شده اند خلاصی يابند. علت اين امر آنجاست که اين افراد از آنجا که به دين و خدا اعتقادی ندارند،( شايد هم اعتقاد دارند، ولی پايبندی ندارند) و به انسان وجهان با دیدی مادیگرایانه نگاه می کنند، لذا آرامش روح وخوشبختی روان را تنها در لذتهای مادی و مواد آرامبخش جستجو می کنند، ولی ازآنجا که هیچیک از اینها نمی تواند غذای روح باشد، بجای کعبه، راه ترکستان را در پیش می گیرند، و نهايتا هم به مراد خود نمی رسند.روح تشنه وگرسنه را نمی توان با ماده سیر کرد، چرا که غذای روح از جنس ماده نیست، بلکه از جنس روح است، وآن ایمان به خدا و اتصال به جنابش از کانال دينی است که آنرا برای همه بشریت فرستاده است.

 عده ای هم برای دست یافتن به آرامش روح وروان، به خالق روح وروان روی می آورند، و با او ارتباط برقرار می کنند، و بجای مدد جستن از مواد مخدر و مشروبات الکلی ، به او روی می آورند، ونهايتاً به مطلوب خود هم می رسند.[[32]](#footnote-33)

## 4) پیشگیری از جرم و جنایت و برپایی امنیت

امنیت یکی از بهترین و مطلوب ترین صفات برای محیط حیات انسانی است وخدای متعال برای یک شهر بالاترین نعمات را امنیت و نبود گرسنگی[[33]](#footnote-34) ذکر می کند.

سید احمد هاشمی در این باره می نویسد :

چرا با تکنولوژی حتی بسیار پیشرفته، نمی توان از جرم و جنایت جلوگیری کرد؟

 به دو دليل:  نخست اينکه به همان نسبت که دولتها امکانات وتواناييهای خود را در تکنولوژی کشف جرم وتبهکاری توسعه می دهند، به همان نسبت هم تبهکاران که غالباً در چارچوب باندهای تبهکاری فعاليت می کنند، تکنولوژی خنثی کردن اين اقدامات را اختراع می کنند، ونتیجه می شود: صفر صفر، لابد می دانید که بسياری ازتبهکاران از هوش ودانش فني بالايي برخوردارند، و تبهکاران کم هوشتر زير نظر آنان انجام وظيفه می کنند.

 دوم اينکه تکنولوژی پیشرفته، پليس، دستگاههای هشدار دهنده وغيره، بُرد محدودی دارند، بدين معنا که با اين امکانات تنها می توان افراد را در محدوده مشخصی، مثلاً در ملأ عام کنترل کرد، اما وقتی افراد با خود خلوت می کنند، واز چشم پلیس ودستگاههای هشدار دهنده دور می شوند، آیا باز هم می توان آنها را کنترل کرد، و آنها را از ارتکاب جرم باز داشت؟ امروزه اين مسئله در عالم اینترنت ونرم افزارها کاملاً مشهود است، اگر از در نشد، از پنجره وارد می شوند. بنابراين تمام امکاناتي که دولتها برای امنيت خود و مردم به کار می گيرند تنها در حکم پليس بیرونیست، در حالی که-همانطور که گفته شد- دين وايمان پليس درونيست، که در خلوت وجلوت انسان را کنترل می کند، واو را از عمل خلاف باز می دارد.  به اعتقاد من اگر هزينه های گزافي که برای ايجاد امنيت وکشف جرم وجنايت در جهان صرف میشود، برای نشر ايمان و فضائل اخلاقی صرف می شد، انسانها بسيار ايمن تر و خوشبخت تر بودند، در حالی که با داشتن پیشرفته ترين تکنولوژی امنيتی واطلاعاتی، دولتی مانند امريکا با اين کبکبه ودبدبه، هنوز تنوانسته احساس امنيت وآرامش را برای شهروندان خود به ارمغان بیاورد(تازه بعد از حملات 11 سپتامبر اين احساس ناامنی بیشتر هم شده است). در خبرها خواندم که در امريکای دویست و هشتاد ملیون نفری، دویست و هفتاد و پنج ملیون قبضه اسلحه در دست مردم است!!!واقعاً چرا دویست و هفتاد و پنج ملیون قبضه اسلحه؟ زيرا شهروندان احساس امنيت ندارند، شما هم اگر آنجا زندگی کنيد مجبوريد برای خود سلاح تهيه کنيد، زيرا که با داشتن اسلحه احساس امنیت بیشتری می کنيد. یاد دارم زمانی که بیل کلینتون تازه رئیس جمهور امریکا شده بود، در مراسمی در جمع طرفداران خود دعا کرده بود، که خداوند امنيت را به کشور باز گرداند، که اين خود نشان از آن دارد که بحران امنيت همه را بدنبال خود کشیده است.[[34]](#footnote-35)

# شاخص هایی برای تمایز صنعت اسلامی از صنعت غیر اسلامی :

## الف ) رعایت حدود الهی در صنایع

خدای متعال برخی مجاری را برای جریان کالا مسدود کرده است و همچنین بعضی صنایع مانند شراب سازی را هم صنایع محرمه اعلام کرده است. مثلا شما حق ندارید به کسی که شراب می سازد انگور بفروشید و ساخت شراب با این که یک صنعت است و یک صنعت مدرن هم نیست یک صنعت تاریخی است ولی از مصادیق کسب حرام است.

این مجاری مسدود شده باید در صنایع امروز هم لحاظ شود چه این که در غرب هم بعضا به خاطر منافع سیاسی لحاظ می شود یعنی برخی تکنولوژی ها محدودیت دارد و به هر کس فروخته نمی شود. مثلا در انحصار سازمان اطلاعاتی آمریکاست، مانند تکنولوژی های جاسوسی یا مثلا سلاح های پیشرفته فوق مدرن در انحصار ارتش آمریکاست و آمریکایی ها خود به برخی مسدودیت های مجاری جریان محصوصلات صنعتی واقفند و برخی کشورها از داشتن برخی صنایع مانند انرژی هسته ای تحریم می شوند.

## ب) رعایت حقوق اسلامی و پرهیز از ظلم

یک صنعت اسلامی نباید در هیچ یک از مراحل خود اعم از مرحله تولید، مرحله کاربری و مرحله بازیافت و انهدام مستلزم ظلم باشد. برای اسلامی بودن یک صنعت لازم است همه این مراحل عاری از هر گونه ظلم باشند. در اسلام شما حق ندارید از زیر بار لزوم کسب معرفت شانه خالی کنید، مثلا این که گفته می شود که فروختن انگور به کسی که شراب درست می کند حرام است یا سلاح فروختن برای جنگ بین مسلمانان جایز نیست این یعنی شما باید بدانی خریدار و یا تولید کننده این صنعت یا مواد اولیه را برای چه استفاده ای می خواهد و کسی حق ندارد که از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کند. البته شکی نیست که در مواردی که آلات استفاده مشترک دارند و یا مواد اولیه قابل تبدیل به تولیدات حلال و حرام هستند شما موظف نیستید که مثل اجل بالای سر طرف بایستید تا در راه حلال استفاده کند، اما از طرفی هم اگر می دانید و مشهور است فلان شخص کسبش شرابسازی است، شما حق ندارید به او انگور بفروشید. این بحث آلات مشترکه و مکاسب محرمه شکر خدا مفصلا در فقه شیعه بحث شده است و یقینا در معاملات صنعتی ( که مستلزم هر صنعتی خرید مواد اولیه و فروش محصولات است) نیز باید همه ی تعهدات و شرایع استنباط شده از کتاب و سنت مراعات گردد.

### 1) رعایت حقوق خدای متعال

در باب صنعت نه تنها این صنعت باید از مجاری حدود شرع مقدس حضرت حق برای بشر تعدی نکند بلکه باید در جای جای این صنع برای اقامه حقوق الهی مانند واجبات و فرائض مجرا در نظر گرفته شود. هیچ صنعتی حق ندارد بشر را از اقامه نماز اول وقت و روزه بازدارد، همه صنایع باید به گونه ای طراحی شوند که در حین نماز و اوقات روزه به این واجبات الهی احترام بگذارند و به حریم حقوق الهی تجاوز نکنند. اگر خدای ناکرده هواپیمایی در حین برپایی نماز اول وقت از حرکت نایستد نه تنها این نایستادن ظلمش متوجه خلبان است بلکه متوجه طراح این صنعت نیز می شود و باید از طراح پرسید که چرا قطاری طراحی نکردی که در زمان اول وقت نماز برای اقامه حق الهی بایستد و به حق واجب خدای متعال احترام بگذارد و یا باید از طراح پرسید چرا در کاتالوگ و دستورالعمل قطار ننوشتی که این قطار باید در زمان نمازهای یومیه متوقف شود و یا چرا به کسی قطار را فروختی که می دانستی قطار را برای نماز اول وقت نگاه نمی دارد. البته بسیاری موارد پیش می آید که این مصانع خود به امر خداوند به اوقات نماز احترام می گذارند مثلا خاطره ی زیبای زیر را از شهید آیت الله دستغیب بخوانید :

با شهید بزرگوار آیت ا... دستغیب برای انجام عمره همسفر بودیم. هواپیما از تهران به طرف بیروت پرواز کرد.تا از آنجا عازم جده شویم. در فرودگاه بیروت چند ساعتی معطل شدیم. اذان مغرب بود که هواپیما آماده پرواز شد. شهید دستغیب خیلی سعی می کرد نماز مغرب و عشا را اول وقت بخواند، اما درهای هواپیما بسته بود و نمی شد کاری کرد. ایشان چند بار خواستند پیاده شوند که مانع شدند. تاخیر هواپیما به حدی انجامید که اگر به جده می رسیدیم ، نماز قضا می شد. شهید دستغیب از این که نمی توانست به نمازش برسد، خیلی ناراحت بود. ما نیز تشویش داشتیم، ولی ایشان خیلی نگران فوت وقت نماز بود. موتور هواپیما که روشن بود، یک دفعه با نقص فنی رو به رو شد. خدمه هواپیما ناگهان درب هواپیما را باز کردند تا نقص هواپیما برطرف شود. همه پیاده شدیم. شهید دستغیب از این که به نمازش می رسید ، خیلی خوش حال بود. ما هم خوشحال بودیم. خدمه می گفتند شاید چند ساعت طول بکشد تا هواپیما آماده پرواز شود. نماز را که خواندیم، خبر دادند که هواپیما آماده پرواز است، سوار شوید. من هنوز در حیرت این راز بودم که میان نماز شهید و نقص هواپیما چه سری نهفته است.[[35]](#footnote-36)

حق دیگر خدای متعال در صنعت که باید رعایت شود احترام به مخلوقات خدای متعال به عنوان مصانع و مصادر علم و حکمت و قدرت خداست، اگر ببينيد که کسي نقاشي استاد نقاش بزرگی مانند استاد فرشچيان را خط خطي کند ناراحت نمي شويد؟ اگر نقاشي خودتان باشد چه قدر ناراحت مي شويد ؟ آیا نقاشی حکیمانه ای که برای رضای خداوند و منطبق با حکمت و عقل الهی است شایسته ی حیات نیست؟ شما که از آسیب زدن به نقاشی یک نقاش خبره و هنرمند زبردست چون استاد فرشچیان ناراحت می شوید پس چه طور انتظار داريد که هيچ دم بر نياوريم اگر عده اي نقاشي خدا به عنوان عالم خلقت را که زينتي براي انسان ها خلق شده است خط خطي کنند؟ باید حقوق خالق این جهان محترم شمرده شود و همه به مخلوقات خداوند احترام بگذارند. چطور است که بعضی دم از حقوق بشر و حقوق حیوانات و کودکان می زنند اما برای خالق این جهان هیچ حقی قائل نیستند. شما اگر یک ربات طراحی و سرهم کنید و بسازید، برای خود این حق را قائلید که ربات از شما فرمان برده و کنترل از راه دورش دست شما باشد ، پس چطور برای خدایی که شما را آفریده است حق فرماندهی بر خودتان را قائل نیستید با این که خداوند نه تنها شما را سرهم کرده است بلکه فراتر از آن شما را از شیئ غیرمذکور خلق کرده است؟

در باب احترام و تکریم خلقت خداوند باید گفت حتی اگر حیوانی برای رضای خدا و به دستور قربانی می شود این قربانی کردن نباید ظالمانه و متعدیانه باشد. در قرآن کریم آیه ای آمده است که در آن گوشت حیواناتی که در اثر ضرب و شتم و یا خفگی کشته شده اند حرام اعلام شده است.

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزيرِ وَ ما أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمَوْقُوذَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَةُ وَ النَّطيحَةُ وَ ما أَكَلَ السَّبُعُ إِلاَّ ما ذَكَّيْتُمْ وَ ما ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلامِ ذلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذينَ كَفَرُوا مِنْ دينِكُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتي‏ وَ رَضيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ ديناً فَمَنِ اضْطُرَّ في‏ مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيمٌ (مائدة3)

این آیه خود به خود به ما میفهماند که شما باید بدانید که حیوانی که می خورید چگونه کشته شده است و اگر ندانید طبعا حکمش غیر از گوشت حلال است.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد:

کلمه (منخنقه ) به معناى حیوانى است که خفه شده باشد، چه خفگى اتفاقى باشد ویا عمدى باشد و عمدى به هر نحو و هر آلتى که باشد، خواه کسى عمدا و با دست خود او را خفه کرده باشد، و یا اینکه این خفه کردن عمدى با وسیله اى چون طناب باشد ، و چه اینکه گردن حیوان را بین دو چوب قرار دهند تا خود بخود خفه شود، همچنانکه در جاهلیت به این طریق و به امثال آن حیوان را بى جان مى کردند. و (موقوذه ) حیوانى است که در اثر ضربت بمیرد آنقدر او را بزنند تا مردار شود.[[36]](#footnote-37)

در هر حال واضح است كه اين آيه به حقوق حيوانات و رفتار كريمانه و شايسته خليفه الله با آنان اشاره دارد.

هیچ صنعتی حق ندارد به مخلوقات خدای متعال ظلم و جور روا بدارد، زیرا همه مخلوقات خداوند از سر حکمت وعقلانیت خلق شده اند. صنعتی که نسل حیوانات را منقرض کند و یا با آنان رفتار غیر کریمانه و وحشیانه داشته باشد یک صنعت ظالمانه است.

البته همواره معارض تکریم خلقت خدای متعال شیطان دشمن انسان است که به خداوند چنین عرض کرده است :

وَ لَأُضِلَّنَّهُمْ وَ لَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذانَ الْأَنْعامِ وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْراناً مُبيناً (نساء119)

### 2) رعایت حقوق و کرامت انسان و پرهیز از ذلیل نمودن او

خدای متعال سوار کردن انسان بر اسب و کشتی را کریم داشتن انسان یاد کرده است و اسب را زینت یاد کرده است :

وَ تَحْمِلُ أَثْقالَكُمْ إِلى‏ بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بالِغيهِ إِلاَّ بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَؤُفٌ رَحيمٌ (7) وَ الْخَيْلَ وَ الْبِغالَ وَ الْحَميرَ لِتَرْكَبُوها وَ زينَةً وَ يَخْلُقُ ما لا تَعْلَمُونَ ( نحل8)

وَ الَّذي خَلَقَ الْأَزْواجَ كُلَّها وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَ الْأَنْعامِ ما تَرْكَبُونَ (12) لِتَسْتَوُوا عَلى‏ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحانَ الَّذي سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنينَ ( زخرف13)

وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَني‏ آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلى‏ كَثيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضيلاً (اسراء 70)

وَ إِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعامِ لَعِبْرَةً نُسْقيكُمْ مِمَّا في‏ بُطُونِها وَ لَكُمْ فيها مَنافِعُ كَثيرَةٌ وَ مِنْها تَأْكُلُونَ (21) وَ عَلَيْها وَ عَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (مومنون22)

آیت الله جوادی آملی در این باره می نویسد:

زیبایی انسان، گذشته از سازمان نظامواره هستی او که در هر موجود دیگری هر چند ضعیف یافت می‏شود در گرو کرامت اوست. متون مقدس آسمانی به ویژه قرآن کریم، هستی بشر را تکریم کرده و او را موجودی گرامی شمرده و دربارهٴ کرامت وی، چنین فرموده است: ﴿اسرا 70 : لقد کرّمنا بنی ادم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطیّبات و فضّلناهم علی کثیرٍ ممّن خلقنا تفضیلاً﴾ ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‏ها را بر مرکب در دریا و خشکی سوار کردیم و از پاکیزه‏ها روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری بخشیدیم. کرامت انسان، مرهون خلافت اوست؛ زیرا جانشینِ موجود کریم از کرامت برخوردار است و چنین کرامتی که از ناحیهٴ خلافت الهی باشد، بهرهٴ غیر انسان نیست. از این‏رو، تعبیری که دربارهٴ انسان شده، دربارهٴ هیچ موجود دیگر نشده است و آن تعبیر ممتاز، همین حدیث معروف «من عرف نفسه فقد عرف ربّه» است؛ زیرا شناخت جان آدمی از آن جهت که خلیفهٴ خداست و این خلافت نیز تکوینی است نه قراردادی حتماً به شناخت خدا ختم خواهد شد و اگر به شناخت خداوند منتهی نگشت، معلوم می‏شود که انسان به خوبی شناخته نشد.[[37]](#footnote-38)

بنابراین، کرامت انسان در پرتو خلافت اوست و «خلیفه»، کسی است که در تمام شؤون علمی و عملی خود، تابع «مستخلف عنه» باشد و برابر علم او اندیشه پیدا کند و مطابق ارادهٴ او صاحب انگیزه شود. خدای سبحان که خلعت خلافت را با آیهٴ ﴿ بقره 30: إنّی جاعل فی الأرض خلیفة﴾ بر اندام موزون انسان وارسته پوشانید، تاروپود استبرق جانشینی را، معرفت اسمای حسنای الهی و مرمّت قلمرو خلافت و آباد و آزاد سازی منطقه جانشینی از نفوذ تخریبی اهریمنان قرار داد و از جهت علمی فرمود: ﴿بقره 31: و علّم ادم الأسماء﴾ و از لحاظ عملی چنین فرمود: ﴿هود 61: هو أنشأکم من الأرض و استعمرکم فیها فاستغفروه ثمّ توبوا إلیه إنّ ربّی قریبٌ مجیبٌ﴾ خدای یگانه شما را از زمین ایجاد کرد و شما را بر آبادی زمین برگماشت پس از او طلب مغفرت کنید سپس به سوی او توبه کنید، حقیقتاً که پروردگار من نزدیک و اجابت کننده است.[[38]](#footnote-39)

مهم‏ترین عنصر خلافت الهی بعد از فراگیری معارف دینی، آباد ساختن زمین و نجات آن از هر گونه تباهی و تیرگی است. مقصود از زمین، گسترهٴ زیست بشر است که از عمق دریا تا اوج سپهر وقلّهٴ آسمان را در برمی‏گیرد. بنابراین، فرهنگ زیست محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است. آن کس که به جای پالایش هوا، آن را می‏آلاید و عوض مرمّت زمین، آن را ویران می‏کند و به جای غرس نهال، به قطع درخت می‏پردازد و به جای سالم سازی دریا و صحرا، از آلوده نمودن آن‏ها اِبایی ندارد، چنین فارغ بی‏فروغی، بی‏دریغ دروغ می‏گوید که خویشتن را خلیفهٴ خدا می‏شمرد. منظور از عمارت زمین، تأمین اصول زیست محیطی برای حیات انسانی است؛ نه خصوص زندگی گیاهی که برخی دارند و نه مخصوص حیات حیوانی که عدّه‏ای به آن بسنده نمودند، بلکه زندگی انسانی که جامع تمام مراحل نباتی و حیوانی هم خواهد بود؛ یعنی هم زمین از خطر تباهی برهد و هم زمینه از ضرر اخلاقی مصون بماند تا هم بدن از مزایای طبّ طبیعی طرفی بندد و هم روح از مواهب ویژهٴ نَفَس رحمانی، به رَوْح و ریحان نایل شود.[[39]](#footnote-40)

#### ارتباط اتوماسیون صنعتی با کرامت انسانی:

خدای متعال در عالم خلقت هیچگاه به صورت تولید انبوه به خلق نپرداخته است، هیچ دو درختی با هم یکسان نیستند، هیچ دو حیوانی با هم یکسان نیستند و هیچ دو انسانی هم شبیه هم نیستند. سوال این است که چرا؟

جوابی که به ذهن حقیر می رسد این است که رفتار کریمانه آن است که انسان به تناسب ظرفیت و استعداد طرف مقابل فعل انجام دهد. مثلا یک استادی که برای همه شاگردان یک نسخه می پیچد کرامت شاگردان را حفظ نکرده است، یا مثلا یک کارخانه ای که برای همه ی مشتریها یک مدل کالا بدون توجه به تفاوت های آنها تولید می کند نیز کرامت مشتری را حفظ نکرده است. از آنجا که انسان این کرامت را فطرتا در می یابد امروزه دیگر تولید انبوه به آن شکل سابق در حال تبدیل شدن به سفارشی سازی است. یعنی مشتری محصول خود را به تناسب نیاز و سلیقه اش سفارش می دهد و مجبور نیست تولید کیلویی را بخرد.

از این قضیه که بگذریم در تاریخ داریم که امامان معصوم هر کدام روی شمشیرهایشان به تناسب شرایط زمانی و نیاز می دادند عبارت های خاصی حک شود . مثلا روی انگشترهایشان نیز عبارات متفاوتی حک شده بود .

از طرف دیگر این که گفته می شود اگر تولید انبوه نباشد امکان تولید محصول برای همه نیست و انسان ها نمی توانند از پس نیازهای خود برآیند هم حرف باطلیست زیرا همیشه تاریخ به همان نسبت فرزندان، مادرانی بوده اند که برای فرزندان خود لباس ببافند و یا مادربزرگهایی بوده اند که برای نوه های خود فرش و گلیم ببافند. این که یک انسان برای آدم نیازهایش را تولید کرده باشد علاوه بر حفظ کرامت انسان بین انسان ها محبت ایجاد می کند .

خدای متعال حتی در باب نحوه سخن گفتن با انسان هم به قلم اشاره می کند، اگر خوب تامل کنیم متوجه می شویم میان خطاب قرار دادن و عتاب کردن به افراد با نامه نوشتن تفاوت است. مثلا امام علی علیه السلام برای فرزندش نامه می نویسد. این نامه نه فقط از باب حفظ شدن بوده است بلکه از باب حفظ کرامت و احترام به فرزند است. نصیحت کردن مکتوب بسیار کریمانه تر از نصیحت و سرزنش حضوری است و شیوه ی ائمه اطهار علیهم السلام و امام راحل عظیم الشان و همه انسانهای کریم همین بوده است و از طرف مقابل شیوه جباران و ستمگران تاریخ که کرامت انسانی را لگد مال می کنند همواره احضار خطاکاران و توبیخ حضوری لفظی و فیزیکی بوده است.

خدای متعال می فرماید :

اقرا و ربک الاکرم الذی علّم بالقلم

همچنین پیشنهاد و توصیه ی مکتوب کریمانه تر از توصیه ی حضوری است زیرا ممکن است با توصیه ی حضوری مخاطب کمی در محظور قرار گیرد و یا احساس گوینده بر تصمیم او اثر بگذارد و این کریمانه نیست.

### 3) رعایت حقوق حیوانات و مخلوقات الهی

حقوق مخلوقات الهی و حیوانات تا حدودی ذیل حقوق خداوند مطرح شد که دلیلش آن است که ما به دلیل آنکه این مخلوقات خلقت خداوند هستند برای آنها ارزش قائلیم و گرنه گوساله سامری اگر از طلا هم باشد موسای کلیم آن را می سوزاند و خاکسترش را به باد می دهد. امام خامنه ای در پیام خود به همایش حقوق محیط زیست ایران چنین می نویسند :

در اسلام، جامع‏ترين ديدگاه و صحيح‏ترين شيوه‏ى تعامل با طبيعت و محيط زيست بيان گرديده است. خداوند، جهان هستى و همه‏ى پديده‏ها را زيبا، متقن و موزون آفريده و ما بايد رابطه‏ى خود را با آنها تصحيح كنيم و با تصرفات نادرست خود آنرا ويران و آلوده و جامعه را با بلا و مصيبت مواجه نسازيم . نگاه اسلام به طبيعت و محيط - اعم از جاندار و بيجان - عاطفى، اخلاقى، معنوى و هدايت‏گرانه است و برخوردارى از مواهب طبيعى نيز بر پايه‏ى اصولى متين، عادلانه، حكيمانه، متوازن و سازنده استوار گرديده است. هدف متعالى اسلام برخوردار ساختن همه‏ى نسلها از نعمتهاى الهى و ايجاد جامعه‏اى سالم و بدور از فاصله‏ى طبقاتى و مستعد براى رشد و شكوفائى است و الزامات شرعى براى حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبيعى با پرهيز از زياده‏روى و مقيّد به عدم اضرار به غير فراهم آورده است.[[40]](#footnote-41)

آیت الله جوادی آملی در این باره می گوید:

زیبایی جهان آفرینش در نظام‏مند بودن آن است؛ به طوری که هر مخلوقی با هماهنگی اجزای درونی و با هدف معیّن و راه و راهنمای مشخص آفریده شد. از این‏رو، هم نظام فاعلی آن منسجم و عالمانه و هم نظام غایی آن مرتبط و حکیمانه است و هم نظام داخلی آن هماهنگ و خردمندانه تعبیه شده است. پیام قرآن حکیم در این زمینه چنین است: ﴿ربنا الذی أعطی کلّ شی‏ءٍ خلقه ثم هدی﴾؛ یعنی پروردگار ما ساختار هر مخلوق را برابر استعداد، استحقاق، ظرفیّت و هدف‏مندی او تأمین کرد؛ آن‏گاه او را در بستر مستقیم به مقصدی که مقصود در آن‏جاست، رهبری نمود. این مثلّث میمون، زیبایی هر چیزی را در رعایت اصول علمی و تجربی نظام‏های سه‏گانهٴ مزبور می‏داند و اگر آسیبی به ساختار چیزی برسد، هم او را از نیل به هدف اصیل او باز می‏دارد و هم دیگران را از فیض او محروم می‏کند. آن هجران و این حرمان زشت، چهرهٴ زیبای صحنهٴ آفرینش را مشوّه می‏کنند و هرگونه تشویه خلقت که به سلامت جامعه و امنیّت امّت آسیب رساند، وسوسهٴ ابلیس است؛ زیرا شیطان، مکر ابلیسانهٴ خود را در مطاوی امور، تدلیس و تلبیس می‏کند که یکی از آن‏ها تغییر ساختار هدف‏مند انسان یا هر موجود دیگر است: ﴿فلیغیرنّ خلق الله (نساء 119)﴾.

گروهی در اثر اغوای شیطان که با ارائه کژراهه‏ها و اغرا و تمویه و تسفیه، بشر فریب خورده را وادار به عصیان می‏کند، به بهانه حفظ صنعتْ سنّتِ زیبای خلقت را به بدعت تبدیل و نظام با شکوه آفرینش را به هرج و مرجِ آلایش و آلودگی دگرگون می‏نمایند. پیام قرآن کریم دربارهٴ ناسپاسان زیست محیطی و فاقدان فرهنگ صیانت محیط زیست، این است: ﴿ظهر الفساد فی البرّ و البحر بما کسبت أیدی الناس لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلّهم یرجعون (روم 41)﴾ آنچه از دستور سپهری و فرمان آسمانی برمی‏آید، این است که تابلوی زیبای آفرینش، امانت الهی به دست بشر است. صنایع تجربی موظفند که در راستای تأمین سعادت و سلامت تمام بشر جهت‏گیری کنند؛ چنان‏که مکلّفند که حقوق طبیعی هر موجود دیگر را، اعمّ از دریا و آبزیان و هوا و پرندگان هوا و استنشاق کنندگان از آن و نیز هر پدیده طبیعی دیگر، رعایت نمایند و هرگز به هلاکت نسل و حرث رضایت ندهند.[[41]](#footnote-42)

استاد طاهر زاده در این باره می گوید :

آموزه‌هاي ديني با تربيت انسان متعادل و رشد همه جانبه، انساني مي‌سازد که در عين رشد عقلي و علمي، ابعاد قلبي و عاطفي او نيز رشد مناسب داشته باشد، تا در عين ساختن ابزارهاي مورد نياز با ابزارهاي غول‌آسا روبه‌رو نشود و با توجه به منابع محدود طبيعت با مصرف بي‌رويه‌ي آن، طبيعت را - که بستر لطف خدا است- دچار بحران ننمايد، اساساً با توجه به رويکرد درستي که انسان ديني نسبت به طبيعت دارد هرگز در صدد ساختن ماشين‌هاي ويران‌کننده‌اي نيست که نظم طبيعت را به‌کلي ويران کند. بلکه با شناخت ظرائف روح انسان و دقائق طبيعت، طوري عمل مي‌کند که در عين جلو بردن انسان در علم و در عين استفاده از طبيعت، نه انسان‌ها يک بُعدي شوند و نه طبيعت تخريب گردد. وقتي نسبت به قدرت ماشين‌هاي غول‌آسا مغرور شديم ديگر فکر نمي‌کنيم بر سر روان انسان‌ها و نظم محيط زيست چه مي‌آيد، تصور مي‌کنيم با تکنولوژي برتر مي‌توان خسارات وارده را جبران کرد. اين مثل آن است که فکر کنيم با خراب‌کردن کليه‌ي يک شخص، مي‌توان دستگاه دياليز به او ب‌دهيم تا خسارت وارده جبران شود. غافل از آن‌که انساني که مجبور است هر روز دياليز کند ديگر از بستر زندگي طبيعي محروم شده است.[[42]](#footnote-43)

#### بحث حیوانات و تکنولوژی و کمک به انسان

در راه خلافت در زمین تکنولوژی و حیوانات هر دو کمک دهندگان انسان هستند. البته در حقیقت هر دوی این دو نعمت الهی در قرآن حکیم به عنوان یاری رسانندگان انسان ذکر شده اند اما در حال حاضر کفه بسیار به نفع تکنولوژی سنگینتر است چه این که بنده معتقدم کفه باید به نفع حیوانات سنگین باشد زیرا تکنولوژی انرژی بسیاری از انسان می گیرد در حالی که حیوانات صرفا نیاز به تعلیم دارند و نیاز چندانی به تعمیر و نگهداری به اندازه ماشین ها ندارند. اما بشر امروز در راه روشهای تربیت و تعلیم حیوانات بسیار عقب و کم دانش است. به امید حق تعالی ان شاء الله در این باب حرکتی در این مملکت آغاز شود هر چند در حال حاضر با بحث کشاورزی ارگانیک و مبارزه با آفت ها به کمک برخی حشرات دل آدم امید می یابد که بشر در حال حرکت به سمت این هدف است.

ان شاء الله به زودی علوم تعلیم حیوانات در دانشگاه ها و محافل علمی رشد کند و همه ظرفیت حیوانات که در حقیقت رباتهای کامل الهی در خدمت انسان هستند و فقط نیاز به برنامه ریزی دارند در خدمت خلافت الهی انسان بر زمین قرار گیرد.

آیه ی زیر نیز نمونه ای قرآن از بحث تعلیم حیوانات است :

يَسْئَلُونَكَ ما ذا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّباتُ وَ ما عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوارِحِ مُكَلِّبينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَ اذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَريعُ الْحِسابِ (مائدة 4)

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِشْراقِ (18)وَ الطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ (ص 19)

## ج) سرعت بخشی در خیرات و نه هر فعلی

در قرآن کریم عموما سرعت به معنای یک مفهوم مثبت مطرح شده است و برای بعضی از افعال خدای متعال مانند حساب و عقاب واژه سریع اضافه شده است. از طرف مومنین نیز با عباراتی نظیر سارعو فی الخیرات و سارعوا الی مغفرة من ربکم در افعال خیر و توبه به سرعت ترغیب شده اند. اما این سرعت اولا باید در کارهای خیر باشد نه در ظلم و تخریب و افعالی که همراه با ظلمند. ثانیا باید از عجله نیز به دور باشد و کاملا حکیمانه و صبورانه باشد.

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ وَ أُولئِكَ مِنَ الصَّالِحينَ (آل‏عمران114)

وَ سارِعُوا إِلى‏ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقينَ (آل‏عمران133)

فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَ وَهَبْنا لَهُ يَحْيى‏ وَ أَصْلَحْنا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كانُوا يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ وَ يَدْعُونَنا رَغَباً وَ رَهَباً وَ كانُوا لَنا خاشِعينَ (انبیاء90)

نُسارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْراتِ بَلْ لا يَشْعُرُونَ (المؤمنون56)

أُولئِكَ يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ وَ هُمْ لَها سابِقُونَ (المؤمنون61)

مطلق سرعت مطلوبیتی ندارد و مقصود از سرعت هایی که در قرآن کریم آمده است نه سرعت تکنولوژیک بلکه سرعت در اراده انجام فعل خیر است. درباب عبارت رباط الخیل در آیه اعدوا نیز بحث شود.

شهید مطهری در باره عدم مطلوبیت مطلق سرعت می گوید:

يكی از چيزهائی كه از لحاظ رابطه انسان با طبيعت و از نظر ابزارسازی‏ فوق العاده پيشروی كرده است ، سرعت است . يعنی انسان در ابزار آنچنان‏ پيشرفت كرده است كه سرعت را به حد بالايی رسانده است . آيا در صد سال پيش امكان داشت كه گروهی از دانشجويان محترم در ظرف يك دقيقه به وسيله تلفن از من دعوت بكنند از تهران و آمدن من هم‏ در ظرف يك ساعت به وسيله هواپيما صورت بگيرد ؟ نه. سرعت ، فوق‏ العاده افزايش پيدا كرده است ولی آيا اين سرعت را با مقياس آسايش‏ انسان می‏توانيم پيشرفت بدانيم ؟ يا اينكه چون سرعت يك وسيله است ،همينطوری كه سبب شده در يك قسمتهائی برای انسان آسايش بياورد سبب شده‏ است كه در قسمتهای ديگر آسايش را از انسان سلب بكند زيرا همانطوری كه‏ اين سرعت ، يك انسان با حسن نيت و يك انسانی كه مقصد خوبی در زندگی‏ دارد را زودتر به مقصد می‏رساند ، انسان پليد با مقاصد پليد را هم زودتر به مقصدش می‏رساند . يعنی درست است كه يك انسان سالم و با حسن نيت‏ دستش قويتر شده و پايش سريعتر گشته ولی يك انسان پليد هم همينطور شده‏ است . افزايش سرعت سبب شده است كه مثلا وسيله آدمكشی را هم در ظرف‏ چند ساعت از اين سر دنيا به آن سر دنيا منتقل بكنند و هزارها و بلكه‏ ميليونها آدم را يكجا بكشند . [[43]](#footnote-44)

## د) پرهیز از عجله و احترام نهادن به قوانین خدای حکیم

لفظ عجله و استعجال در قرآن کریم به معنای یک مفهوم منفی به کار برده شده است و به معنی انجام فعل پیش از رسیدن زمان مناسب (تعجل) و یا درخواست فعل پیش از رسید موعد مقدر (استعجال) به کار رفته است. در صنایع کنونی در جامعه رواج عجله برای دستیابی به سود مادی بیشتر به وفور دیده می شود. مثلا دیده می شود میوه ها قبل از رسیدن به مرحله ی رسیدگی برداشت می شود و بعدا برای فریب مشتری (بازار پسندی) با کمک اتیلن و برخی گازهای دیگر پوست میوه را از سبز بودن خارج می کنند. یا مثلا با تزریق هورمون به جوجه های ماشینی ظرف مدت 45 روز چنان جوجه ها را چاق می کنند که در بسیاری موارد قوت استخوان پای جوجه ها که متناسب با وزن گوشتشان رشد نکرده است می شکند. موارد این چنینی در صنایع مدرن امروزی به وفور دیده می شود.

استاد اصغر طاهرزاده می نویسد :

وقتي سرعت به خودي خود هدف شد حکمت بي‌رنگ مي‌شود و آن چيز که بشر را آرام مي‌کند نه سرعت بيشتر است و نه داشتن دنياي بيشتر. تکنولوژي سرعت بيشتري را به بشر هديه کرد ولي به همان اندازه آرامش و وقار و حکمت را از بشر ربود. رسول خدا مي‌فرمايند: «اَلْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيطان وَ التَّأنِي مِنَ الله عَزَّوَ جَلَّ»؛[[44]](#footnote-45) عجله از شيطان است و تَأنّي و آرامش از طرف خداوند است.[[45]](#footnote-46)

## ه) متقن و پایدار و دوراندیشانه بودن

اتقان و استواری و دوراندیشانه بودن همه صناعات بشری لازمه عقلانی و حکیمانه بودن آنهاست. انسان های گذشته خانه های می ساختند که عمر مفید آنها صدها سال بود در حالی که ساختمانهای امروز عمر مفیدشان بین بیست تا سی سال است، یعنی هر نفر در طول حیات خود چند بار باید برای ساختمان سازی اقدام کند، چرا؟

آیا خانه ها و مساکن قدیم قابل زندگی نبودند. چرا عمر مفید تولیدات امروز بشری بسیار کوتاهتر از عمر مفید تولیدات انسان های گذشته است. شکی نیست یکی از علل این قضیه سست و بدون تفکر و حکمت لازم بودن این مصنوعات است، استاد طاهر زاده می گوید:

روح تکنولوژي آنچنان مغرور قدرت و سرعت است که هرگز از حکمتِ لازم در رسيدن به اهداف خود استفاده نمي‌کند. انسان‌ها در آن فرهنگ به اين باور مي‌رسند که اگر آنچه خواستيم بسازيم، خراب شد دوباره و با سرعت بيشتر آن را مي‌سازيم و به همين جهت ضعف‌ کارها در خراب‌کردن و دوباره‌ساختن پنهان مي‌شود، گويا چيزها را مي‌سازند تا خراب کنند و فرصت تفکر براي درست ساختن را از دست داده‌اند. [[46]](#footnote-47)

آیت الله جوادی آملی در این باره می گوید :

اسلام در تمام شؤون حیات، به دو عنصر محوری اهمیت می‏دهد و همگان، به ویژه دولت‏مردان را مسؤول تأمین آن دو رکن اساسی می‏داند: یکی استحکام عمل و دیگری هنرمندی و زیبایی آن؛ یعنی کاری که مطابق اصول علمی نباشد، چون متقن و استوار نیست مقبول نیست و کاری که در عین اتقان و استواری، هنرمندانه و زیبا نیست، مطبوع و مطلوب نخواهد بود. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) دربارهٴ عنصر محوری نخست چنین فرمود: إنّ الله یحبّ إذا عمل أحدکم عملاً أن یتقنه[[47]](#footnote-48). یعنی آنچه محبوب خداست، کار محکم وعمل مُتْقن است و دربارهٴ عنصر محوری دوم، چنین فرمود: یحب الله العامل إذا عمل أن یحسن. [[48]](#footnote-49) یعنی آنچه محبوب خداست، کار هنرمندانه، ادیبانه و زیباست. خداوند نیز جهان را با دو اصل استحکام و زیبایی آفرید و دوست دارد که جانشین او در زمین، انسانِ وارسته‏ای باشد که معماری کارهای او فنّی و نیز زیباسازی‏های عمل او هنرمندانه باشد. رعایت دواصل یاد شده، حافظ تمام اصول معیاری زیست محیطی است؛ زیر استحکام و زیبایی، مایهٴ پالایش فضای زندگی است و فضای پالوده، پایدار خواهد بود؛ همان‏طور که محیط آلوده، زدودنی و از بین رفتنی است.[[49]](#footnote-50)

خدای متعال درباره خلقت انسان عبارت احسن تقویم را به کار می برد و طراحی و خلقت خود را بهترین و قیم ترین خلقت معرفی می کند.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ في‏ أَحْسَنِ تَقْويمٍ (تين 4)

## و) سادگی در عین پاسخگو بودن برای نیاز ها

کشتی نوح پیامبر (علی نبینا و آله و علیه السلام) یک فنآوری ساده به معنای ابتدایی، بی محاسبه و کوچک نبوده است و یا مثلا قصر شیشه ای سلیمان پیامبر نیز نمی تواند یک فناوری ساده به همان معنی بوده باشد (همین الان هم هنوز کسی ادعای ساختن کشتی ای که از همه حیوانات یک جفت در آن جا شود و یا قصر شیشه ای را ندارد) پس این که فناوری سطح پایین و ابتدایی مدنظر اسلام و خدای متعال باشد و کلا فناوریهای پیچیده مردود نظام ارزشی اسلام باشد صحیح به نظر نمی رسد. اما از طرفی هم عقل انسان همواره به دنبال ساده ترین راه ها برای مسائل مختلف است به شرطی که این راه حل ها از مجرای حدود الهی خارج نباشند. استاد اصغر طاهرزاده در باب ساده بودن فن آوری می گوید:

ابزارها هرچه ساده‌تر باشد انسان کم‌تر مشغول آن خواهد شد، و راحت‌تر به هدف خود دست مي‌يابد.[[50]](#footnote-51) ... به ما آموخته‌اند سادگي، آسودگي آفرين و قدرت بخش‌ترين صفت است، چون انسانِ قدرتمند انساني است که در اسارت نيازهاي فراوان نباشد. توليد انبوه و مصرف زياد، هم خسارات روحي به بار مي‌آورد و هم محيط زيست را تخريب مي‌کند، با توجه به اين نکته اگر با نگاهي عالمانه به زندگي غربي بنگريم به جاي حسرت از آن زندگي، عبرت نصيب ما مي‌شود تا راهي را که آن‌ها رفتند نرويم. [[51]](#footnote-52)

پیچیده کردن فنآوری به معنای شاخ و برگ های زاید و سفارشی سازی های غیر لازم بدون دلیل حکیمانه کاری غیر عاقلانه است و بشر همواره به دنبال ساده ترین راه برای حل مسائل است اما وقتی از راه حل های طبیعی فاصله بگیریم و به فکر راه حل های غیر طبیعی و تکنیکی بیافتیم آن وقت تکنولوژی ها بزرگ و پیچیده خواهند شد و با مسائل بسیاری روبرو خواهیم شد که حتی اگر برای تک تک آنها ساده ترین راه را یافته باشیم باز هم تعدد آنها برای ذهن ما پیچیده و تکلف آور خواهد بود. مثلا اگر بخواهیم به جای سوار شدن بر اسب بر موتورسیکلت الکتریکی سوار شویم حجم زیادی از مسئله را بدون دلیل برای خود ایجاد کرده ایم که اگر بخواهیم برای این مسائل ساده ترین راه ها را هم پیدا کنیم باز هم زمان زیادی برای پاسخ گفتن و پیگیری این جواب ها از بشر گرفته خواهد شد. در دنیای امروز عموما مردم برای زندگی کردن وقت ندارند بیشتر وقت خود را به ابزارسازی و یا وررفتن با ابزارهای مختلف می گذارند و پیگیر اهدافی که خدا برای خلقت آنها در نظر گرفته است نیستند. باید پرسید چرا؟ پاسخ این است که چون در بسیاری موارد به هوای نفس خود جواب آری داده اند و برای خوش آمد نفس از پاسخی که خدای متعال در خلقت برای نیازهای آدمی قرار داده است فراری اند و دوست دارند خودشان برای نیازشان پاسخ خاص خود را داشته باشند. این که مثال موتور سیکلت الکتریکی زده شد علت آن است که موتور سیکلت الکتریکی با برخی شاخص های گذشته مانند کرامت انسان و آلوده نکردن هوا و زمین سازگاری دارد و یک قدم از بسیاری تکنولوژی ها جلوتر است اما چرا آدمی ده ها ساعت وقت و عمری را که باید در راه تعالی روح و اخلاق صرف کند با ایجاد مسائل جدید به حل مشکلات ابزارها اختصاص دهد.

بحث دیگری که درباب پیچیدگی فن آوری مطرح است نسبت فاعلیت پنداری انسان به فعل حاصل از ابزار است. یعنی مثلا وقتی شما با بیل و کلنگ چاه حفر می کنید خود را فاعل می دانید نه بیل و کلنگ را در حالی اگر با بیل مکانیکی و دستگاه های پیشرفته امروزی چاه حفر کنید دیگر خود را فاعل نمی پندارید و بیل مکانیکی را کننده چاه فرض می کنید (هیچ کس نمی گوید فلان شخص این کانال را حفر کرده همه می گویند بیل مکانیکی حفر کرده ولی هیچکس نمی گوید بیل و کلنگ چاه کنده همه می گویند فلان شخص این چاه را کنده است و مثلا در باب پرواز های هوایی همه اذعان دارند که هواپیما مسافران را به مقصد رسانده است نه خلبان و نقش خلبان اصولا در نسبت ابزار و انسان در انجام فعل کوچکتر ار نقش انسان دیده می شود). البته ممکن است این تصور نیز بیراه نباشد که عمده تامین انرژی قضیه است و نه پیچیدگی دستگاه یعنی مثلا شما اگر با پیچیده ترین دوچرخه هم مسافرت کنید باز خودتان را فاعل می بینید زیرا نیرو و انرژی این حرکت از شما صادر شده است در حالی که در موتور سیکلت دیگر شما خود را فاعل جزء می بینید نه فاعل اصلی و غالب. در هر حال نتیجه این که هر چه انسان خود را در فعل بی نقش تر حس کند احساس مسئولیت پذیریش در مقابل فعل کمتر می شود و مسئولیت فعل را متوجه ابزار می پندارد، مثلا شاید اگر به خلبانان هواپیماهای بمب افکن گفته شود که به جای ریختن بمب بر سر مردم غیرنظامی با سلاح های ساده تمام این افراد را بکشند حاضر نشوند زیر بار چنین فعلی بروند اما فشردن یک دکمه از بالای هواپیما را بسیار راحت تر می پذیرند، در واقع به راحتی فریب پیچیدگی ابزار را می خورند و از توجه به گناه کبیره ای که از ترکیب فعل آنها با اتوماسیون موجود در ابزار وجود دارد غافل می شوند. البته جای بحث باقیست که آیا در افعال ظالمانه ای که ماشین های پیچیده ای چون هواپیماهای بمب افکن در آن حضور دارند آیا همه گناه فعل تقصیر خلبان و فشار دهنده ی دکمه رهاسازی بمب هاست یا نه کسی که این وسیله را برای طاغوت و ظالمان طراحی کرده است نیز به همان اندازه که فناوری پیچیده تر شده است در ظلم ناشی از فناوری شریک است. این مسئله جای تامل بیشتری دارد که ان شاء الله با پا گرفتن فقه صنعت توسط فقهای این حوزه طرح و پاسخ داده خواهد شد.

شاهد قرآنی بر ساده بودن فن آوری نیز تا حدودی دستورالعمل خدای متعال به حضرت داود نبی برای ساخت زره است که فرمود :

أَنِ اعْمَلْ سابِغاتٍ وَ قَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَ اعْمَلُوا صالِحاً إِنِّي بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ (سبأ 11)

## ز) آرامش روحی (طمأنینه) همراه با سلامت جسمی (صحت)

استاد طاهرزاده می نویسد :

که اگر دل انسان‌ها از فضاي تکنيکي فراري است، دست و پاي او در قبضه‌ي فرهنگي است که تکنولوژي بر او تحميل کرده است. حاصل اين کشمکش‌ها تولد انساني است که با همه تلاشي که صبح تا شام انجام مي‌دهد، از همه چيز ناراضي است، حتي از قهقهه‌هاي مستانه‌اي که مي‌زند تا از نارضايتي خود فرار کند. [[52]](#footnote-53)

درباب آسایش جسمی یکی واژه سهل در قرآن باید بررسی شود یکی واژه اتراف و یکی هم یسر و یکی هم کبد و بأساء که به جز سهل بقیه پیشتر بررسی شدند.

یقینا اتراف که به معنی آسایش جسمی توام با غفلت و ظلم و گناه سرخوشانه است در دیدگاه قرآن کریم مذموم است اما خداوند برای بنده یسر را می پسندد و در باب سهل هم فقط آیه زیر در قرآن کریم آمده است که ظاهرا معنای هموار در آن نهفته است و ارتباطی با انسان ندارد و صفت زمین محل ساخت قصور است.

وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفاءَ مِنْ بَعْدِ عادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِها قُصُوراً وَ تَنْحِتُونَ الْجِبالَ بُيُوتاً فَاذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ وَ لا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدينَ (الأعراف 74)

وقتي انسان جنبه روحاني خود را فراموش كرد و خود را مادي پنداشت آنگاه شروع می کند به مقایسه ی خود با ابزارهای مادی و خود را نیز یک ابزار مادی در جهت اهداف مادی می پندارد، در این صورت چون قطعا با پیشرفت فنآوری ابزارهای مادی قویتر از انسان به وجود می آیند آنگاه چنین انسان مادی نگری خود را طفیلی ابزارش می پندارد. اما اگر انسان مبنا را بر کرامت انسان و وجود روحانی خود بگذارد که نکته برتری انسان بر ابزار و دنیاست آنگاه نه تنها ماشین و صنعت را نعمت خداوند برای تحقق هدف خداوند می پندارد بلکه حتی دست و پا و جسم خود را هم نعمات خدا می داند و با از دست دادن آنها در اثر مصیبت و امتحان الهی احساس کمبود نمی کند زیرا اصل وجودی خود را جنبه روحی می پندارد و تا لحظه مرگ این برگ برنده انسان بر دنیا و ماشین در وجود اوست فلذا دلیلی ندارد که برای دنیا و ماشین هویت قابل مقایسه ای با خود در نظر بگیرد.

دکتر علی شریعتی می نویسد.:

در جامعه شناسي و روانشناسي کاملاً آشکار است که هر کسي در مدت عمرش به ميزاني که تماسش با يک ابزار و يا فرم کار بيشتر مي باشد کم کم شخصيت مستقل و حقيقیِ خود را فراموش مي کند و به جاي خودش آن ابزار کار را احساس مي کند.[[53]](#footnote-54)

در اين جا انسان شیٌ مي شود و خود را شیٌ حس مي کند. ماشين زدگي همين معني را مي دهد فرد جزيي از ماشين مي شود. امروز انسان در هجوم و رسوخ ماشين مسخ مي شود. فرد خود را ادامه ماشين و يکي از ابزارهاي آن مي شمارد. راننده خود را ادامه ترمز و کلاج و دنده کاميونش مي يابد. [[54]](#footnote-55)

متاسفانه امروزه مردم جوامع صنعتي در عين حال که در کنار يکديگر زندگي مي کنند نسبت به يکديگر بيگانه و بي احساس اند. دکتر اسلامی ندوشن در پاسخ به علت این مسئله می نویسد :

هر چه شهرها بزرگتر و پررونق تر شود فشار تنهايي محسوس تر مي گردد... علت احساس تنهايي اين است که ارتباط روحي بين افراد به حداقل تنزّل يافته است.[[55]](#footnote-56)

## ح) زینت انسان بودن و زیبا بودن

خداوند متعال همانگونه که خود بر عرش عظيم تکيه زده است براي انسان در مقام خلافت نيز عرشي خلق نموده است تا مايه جمال و زينت او باشد.

وَ الْأَنْعامَ خَلَقَها لَكُمْ فيها دِفْ‏ءٌ وَ مَنافِعُ وَ مِنْها تَأْكُلُونَ (5) وَ لَكُمْ فيها جَمالٌ حينَ تُريحُونَ وَ حينَ تَسْرَحُونَ (6) وَ تَحْمِلُ أَثْقالَكُمْ إِلى‏ بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بالِغيهِ إِلاَّ بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَؤُفٌ رَحيمٌ (7) وَ الْخَيْلَ وَ الْبِغالَ وَ الْحَميرَ لِتَرْكَبُوها وَ **زينَةً** وَ يَخْلُقُ ما لا تَعْلَمُونَ ( نحل8)

وَ الَّذي خَلَقَ الْأَزْواجَ كُلَّها وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَ الْأَنْعامِ ما تَرْكَبُونَ (12) لِتَسْتَوُوا عَلى‏ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحانَ الَّذي سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنينَ ( الزخرف13)

وَ لَقَدْ **كَرَّمْنا** بَني‏ آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلى‏ كَثيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضيلاً (إسراء 70)

شاید دیده باشید که عموما جوانان بیش از خودروهای اتاق بسته میل به خودروهای روباز و موتور سیکلت دارند. به نظر حقیر علت آن است که این مصنوعات بیشتر با کرامت انسان که فطرتا در وجود همه جوانان وجود دارد و هنوز گرد ذلت تکنولوژیک فرهنگ مدرن بر آن ننشسته است سازگار است. در باب کشتی هم عموما بشر بر کشتی سوار است و روی عرشه قرار می گیرد تا در عبارت کرمنا مصداق بیشتری یابد و گرنه زیردریایی هم وسیله نقلیه است ولی بشر فطرتا میلی به آن برای حمل و نقل ندارد مگر برای مشاهده ی اسرار و زیبایی های دریاها. اما این که در آخر آیه خدای متعال فرموده است که یخلق ما لا تعلمون منظور چیست جای تامل دارد. آیا مقصود هواپیماهایی است که در آخرالزمان ساخته می شوند که هم کرامت انسان را حفظ می کنند و هم از آلوده کردن و ظلم بر خلاف هواپیماهای امروزه به دورند یا مقصود حیواناتی مانند فیل و دلفین است که ظرفیت رکوب انسان را دارند؟

حال اگر انسان به جاي سوار شدن بر عرش خويش که مايه جمال او و زينتي براي اوست و روي آن داراي ابهت و کرامت ومنزلت خليفه اللهي است، سوار خودروهای اتاق دار شود که جمال و زينتي براي خليفه خدا ندارد بلکه مايه ذلت و خواري او در مقابل خلقت است, براستي چه کسي ضرر مي نمايد ؟ آيا جز اين است که کرامت و جمال خليفه اللهي انسان از او گرفته شده است و بر عرشي که خدا به او به عنوان نعمت و فخر عرضه کرده است پشت نموده و خوار و ذليل شده است.

## ط) به وحی الهی بودن و نه به وحی شیطان

خدای متعال در قرآن کریم عبارت وحی را نه تنها برای رابطه خود با انبیاء الهی به کار می گیرد بلکه برای ارتباط شیاطین با هم نشینان انسی آنان هم تعبیر وحی را به کار می گیرد و در معنای کلی گاها الهام ذهنی را هم به وحی تعبیر می کند ( در داستان مادر حضرت موسی ) . حتی وحی به حیوانات نیز در موضوع زنبور عسل در قرآن کریم آمده است. البته این سخن به این معنا نیست که وحی تشریعی بر هر کسی نازل می شود بلکه منظور این است که الهامات شیطانی نیز همانند وحی الهی در ذهن انسان ها قابل تولید است و باید بشر غیر معصوم همواره الهامات خود را با معیار وحی تشریعی و عقل بسنجد تا بتواند سره را از ناسره و الهام الهی و ملائکه ای را از وحی شیطانی تشخیص دهد.

وَ لا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَفِسْقٌ وَ إِنَّ الشَّياطينَ لَيُوحُونَ إِلى‏ أَوْلِيائِهِمْ لِيُجادِلُوكُمْ وَ إِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (الأنعام 121)

وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنا وَ وَحْيِنا (هود 37)

جالب اینجاست که خدای متعال در باب طراحی و ساخت کشتی برای حضرت نوح (علی نبینا و آله و علیه السلام) با ذکر واژه ی باعیننا در کنار بوحینا به یک رابطه ی دو طرفه وحیانی - بازخوردی اشاره می کند و به نوح پیامبر نوید می دهد که در مرحله طراحی و ساخت کشتی وحی و هدایت و رفع اشکال خدای متعال با او خواهد بود.

شهید آوینی در این باره می نویسد :

از همان ابتداي انقلاب صنعتي، ابليس پيش بيني کرده بود که انسانها به خاطر تکنولوژي پيشرفته شان، در چنان لجنزاري از عجب و خود بيني فرو مي روند که به زودي همه حس واقع بيني شان را از دست مي دهند. و اين درست همان چيزي بود که اتفاق افتاد. اين برده هاي بيچاره ی چرخها و تير و تخته ها براي تسلط بر طبيعت به خود تبريک و تهنيت گفتند. فاتحان طبيعت، واقعاً که! در حقيقت، کاري که کرده بودند صرفاً بر هم زدن توازن و تعادل طبيعت بود و طبعاً عواقبش هم دامنگيرشان مي شد. فقط به خاطر بياور که در طول يک قرن و نيم قبل از چيز چه کارها که نکردند، آلودن آب رودخانه ها، کشتن حيوانات وحشي، تخريب جنگل ها، راندن خاک سطح زمين به سمت درياها، سوزاندن اقيانوسي از نفت، بر باد دادن معادني که يک دوره کامل زمين شناسي صرف ذخيره شان شده بود. خلاصه ضيافتي کامل از جهالت جهانيان و تبه کاران. و اسم اين را پيشرفت گذاشته بودند، پيشرفت، پيشرفت، پيشرفت! بگذار به تو بگويم که آن اختراع به مراتب زيرکانه تر، و طنزش به دفعات شيطاني تر از آن بود که محصول فکر بشر باشد. ناگزير بايد برايش مددي خارجي قايل شويم، بدون ترديد بايد رحمت ابليس در کار بوده باشد، که البته هميشه و همه جا آماده عرضه است – يعني براي کسي که حاضر به همکاري و همراهي با او باشد – و چه کسي نيست؟ [[56]](#footnote-57)

استاد طاهرزاده در این باره می گوید:

وقتي بنا است ما به تکنيک شکل دهيم، بايد آن شکل‌دهي به صورتي باشد که با انديشه‌ي الهي مطابق گردد تا هماهنگ با نظام الهي در خدمت ما باشد،[[57]](#footnote-58)

## ی) در جهت اصلاح و صلح نه در جهت فساد و هدم:

در قرآن کریم ریشه ی هدم یکبار برای نابودی مساجد و عبادت گاه ها آمده است و از ریشه خرب دو بار برای مسجد و بیت استفاده شده است و در همه حالات مفهوم منفی دارند و خداوند با تاکید قضیه خراب کردن بیوت یهودیان را عبرت آموز دانسته و برای هدم و خرب عبادتگاه ها عذاب عظیم را یادآور می شود و خود را با تاکید قوی عزیز می نامد :

الَّذينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلاَّ أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ **لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ** يُذْكَرُ فيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثيراً وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزيزٌ (حج40)

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ **وَ سَعى‏ في‏ خَرابِها** أُولئِكَ ما كانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوها إِلاَّ خائِفينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظيمٌ (بقرة 114 )

هُوَ الَّذي أَخْرَجَ الَّذينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ مِنْ دِيارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ ما ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَ قَذَفَ في‏ قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ **يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْديهِمْ** **وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنينَ** فَاعْتَبِرُوا يا أُولِي الْأَبْصارِ (حشر2)

در احادیث پیامبر اکرم آمده است که حتی در مقابل کافران و دشمنان به جز به فرمان خاص خدا کسی اجازه تخریب بیت و مصنوعات غیرظالمانه را ندارد و خراب کردن بیوت و آتش زدن و روحیه ی نابودگری بسیار مذموم شمرده شده است.

آیت الله مکارم شیرازی در این باره از منتهی الآمال درباره سیره پیامبر چنین نقل می کند:

درختان را از بیخ نزنید مگر اینكه ناچار باشید، نخل‌ها را نسوزانید و با آب غرق نكنید، درختان میوه را ریشه كن نسازید، زراعت را آتش نزنید كه خود بدان محتاج خواهید بود و حیوانات حلال گوشت را نابود نسازید مگر به اندازه‌ای كه برای تعذیه لازم دارید. هرگز آب دشمن را با زهر آلوده نسازی .[[58]](#footnote-59)

در جای دیگری از همین مقاله ایشان از آیه ی زیر چنین نتیجه می گیرد:

در آیه‌ی 190 سوره‌ی بقره می‌خوانیم: وَ قاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ الَّذِینَ یُقاتِلُونَكُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ : در راه خدا با كسانی كه با شما می‌جنگند نبرد كنید و از حد تجاوز ننمایید كه خدا تجاوزكاران را دوست نمی‌دارد. در این آیه در واقع به سه نكته اشاره شده: نخست این كه جنگ باید برای خدا و در راه خدا باشد نه به خاطر جاه‌طلبی و انتقام‌جویی. دیگر اینكه جنگ در برابر متجاوز باشد، یعنی تا جنگ بر شما تحمیل نشود دست به اسلحه نبرید. سوم در میدان جنگ از حد تجاوز نكنید و اصول اخلاقی را رعایت كنید بنابراین اگر دشمن اسلحه را بر زمین بگذارد و تسلیم شود نباید به او حمله كرد، و همچنین نسبت به كسانی كه قدرت بر جنگ را ندارند مانند پیر مردان، كودكان و زنان نباید مزاحمت شود، نابود كردن باغ‌ها و مزارع و تخریب اماكن قابل استفاده، و توسل به سلاح‌های كشتار جمعی، همه از مصادیق تعدّی بر بیگناهان و انتخاب روش‌های غیر انسانی است و از نظر اسلام ممنوع است.[[59]](#footnote-60)

## ک) قانعانه بودن و نه مصرف زدگی :

استاد طاهرزاده می گوید :

روحيه‌ي انبياء الهي در رابطه با داشتن زندگي ساده و رعايت قناعت در مصرف، بدان جهت بود که متوجه قوانين طبيعت الهي بودند، و مي‌دانستند اگر انساني که با اندک تلاش مي‌تواند مايحتاج طبيعي خود را به دست آورد، از مرز نياز طبيعي پا را فراتر بگذارد، نه تنها مجبور است چندين برابرِ زندگي طبيعي تلاش کند، بلکه بايد براي به دست آوردن مازاد بر نيازش به جنگ طبيعت برود و نيازهاي وَهمي خود را از حلقوم آن بيرون بکشد و براي اين کار مجبور است تکنولوژي‌هاي غول‌آسا طراحي کند، به اميد آن که بر طبيعت غلبه کند، غافل از آن که با روبه‌رو شدن با بحران محيط‌زيست از زندگي طبيعي اوليه خود نيز محروم مي‌شود.[[60]](#footnote-61) ... همچنان‌که فرمودند: «دَعُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا فَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ أَخَذَ حَتْفَهُ وَ هُوَ لَا يَشْعُر»[[61]](#footnote-62) دنيا را به اهل دنيا واگذاريد، و هركس از دنيا بيش از مقدار نيازش برداشت كند، ناخودآگاه دست به نابودى خود زده است.[[62]](#footnote-63)

در جای دیگری دوباره استاد طاهرزاده می گوید :

به تعبير قرآن روح اهل کفر روح افتخار بر اسراف است «يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُّبَدًا ، سوره بلد، آيه 6.»؛ مي‌گويد من مال زيادي را از بين مي‌برم. و اين نوع مصرف‌زدگي را شاخصه رشد نشان مي‌دهند تا حيات تکنولوژي فزون‌خواه ادامه يابد، در حالي‌که شاخصه حيات ديني «قناعت» است و «سادگي»[[63]](#footnote-64)... رسول خدا مي‌فرمايند: «اگر کسي براي غسل‌کردن بيش از يک صاع - حدود سه کيلو- آب مصرف کرد خلاف سنت من عمل کرده.»؛[[64]](#footnote-65) از اين روايت بر مي‌آيد که روح انسانِ موحد اجازه نمي‌دهد مصرف‌زدگي بر زندگي‌اش حاکم باشد، حال چه توليدش بيش از مصرفش باشد و چه نباشد. چه در منطقه‌اي زندگي کند که داراي آب فراوان باشد و چه در منطقه‌ خشک و کويري زندگي کند. مصرف زياد روح را مي‌ميراند و انسان را گرفتار مصرف‌زدگي مي‌کند، مضافاً اين‌که طبيعت ظرفيت اسراف‌کاري در هيچ‌چيزي را ندارد (يک نوزاد متولد ايالت متحده؛ 2 برابر نوزاد سوئدي، 3 برابر نوزاد ايتاليايي، 13 برابر نوزاد برزيلي، 35 برابر نوزاد هندي، 140 برابر نوزاد بنگلادشي و 280 برابر نوزادي که در چاد، روآندا، هائيتي يا نپال متولد مي‌شود، سربار محيط زيست است. (افسانه‌ي توسعه، اسوالدو دويورو، ص 90)).[[65]](#footnote-66)

## ل) کنترل پذیری و دست افزار بودن :

هر فناوری جدید باید به گونه ای طراحی شود که بشر از پس مهار آن برآید فلذا رفتن سراغ فن آوری هایی که کنترلشان از دست انسان خارج است کار درستی نیست.

اصغر طاهرزاده در این باره می گوید :

که تکنيک و ابزار ملت‌ها در گذشته با روح و جسم انسان‌ها هماهنگ بود، بيلي که با آن زمين را مي‌کند ادامه دست او و در کنترل او بود، و به تعبيري تکنيک قديم دست‌افزار انسان بود اما تکنيک جديد از حالت دست‌افزاري خارج شده بلکه بر انسان حکومت مي‌کند، به همين جهت ويران‌گري در آن غلبه دارد، بيل و چکش لايه‌ي اُذن را از بين نمي‌برد چون تحت کنترل انسان است، ولي دودِ ناشي از تکنيکِ جديد تحت کنترل انسان نيست. تکنيکِ دنياي مدرن از انسان بريده است، ساختاري مستقل از انسان دارد و چون نامقدس است بي‌برکت مي‌باشد.[[66]](#footnote-67)

# ضوابط اخلاقی صنعتگری اسلامی :

## الف) شکر خدای متعال برای وحی و تعلیم صنعت :

وَ عَلَّمْنَهُ صنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكمْ لِتُحْصِنَكُم مِّن بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنتُمْ شكِرُونَ (انبیاء 80)

علامه طباطبای ذیل آیه چنین می نویسد:

ضمير در (( علمناه )) به داوود بر مى گردد، همچنانكه در جاى ديگر درباره آن جناب فرموده : ((والنا له الحديد - آهن را برايش ‍ نرم كرديم )) و معناى آيه اين است كه : ما صنعت زره سازى را به داوود تعليم داديم تا براى شما زره بسازد و شما با آن وسيله از شدت فرود آمدن اسلحه بر بدن خود جلوگيرى كنيد. جمله (( فهل انتم شاكرون )) تقرير و تحريك بر شكر است .[[67]](#footnote-68)

واضح است که خدای متعال در این آیه بر دونکته به وضوح تاکید دارد :اول این که این صنعت را ما به حضرت داوود علی نبینا وآله و علیه السلام تعلیم دادیم و نه کس دیگر و دیگری آن که شما باید برای صنایع تعلیمی شکرگذار خدای متعال باشید زیرا این صنایع به نفع شماست و مثلا در این مورد خاص زره شما را از ضربه شمشیر همنوعانتان تا حدودی در امان نگه می دارد.

خدای متعال در آیه دیگری درباره رشد و تکامل صنایع در زمان حضرت سلیمان علی نبینا و آله و علیه السلام که آغازش در زمان پدر حضرت سلیمان ( حضرت داوود) صورت گرفته بود. آل داوود را به شکرگزاری برای نعمت صنایع پیشرفته تشویق می کند.

يَعْمَلُونَ لَهُ ما يَشاءُ مِنْ مَحاريبَ وَ تَماثيلَ وَ جِفانٍ كَالْجَوابِ وَ قُدُورٍ راسِياتٍ اعْمَلُوا آلَ داوُدَ شُكْراً وَ قَليلٌ مِنْ عِبادِيَ الشَّكُورُ (سبأ 13)

## ب) عدم بطش جبارانه در تمتع از طبیعت

اگر از صنعت انتظار داریم کرامت انسان را حفظ کند انسان نیز باید در رفتار با مخلوقات خدای متعال کرامت خود را حفظ کند و وقتی از معادن خدا ماده معدنی استخراج می کند مانند جباران زمین محل معدن را نابود نکند و زیبایی ظاهر خلقت خدا را آسیب نزند.

استاد طاهر زاده می نویسد:

يك مسلمان صاحب بصيرت، همه‌چيز را جلوه‌اي از حقايق آسماني مي‌بيند و آن‌ها را نماد مستقيم جهان معنوي مي‌شناسد و بيشتر دوست دارد با اشيايي به‌سر برد كه نماد آن جهان هستند، و نه اشيايي كه مصنوعي و ساخت اميال بشرِ بريده از آسمان است، حتي روي زمين به ملايمت گام برمي‌دارد تا در عين اُنس با طبيعت، مزاحمِ محيط پيرامون خويش نگردد. قرآن در وصف بندگان واقعي خداوند مي‌فرمايد: ( وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا...) يعني؛ بندگان خداي رحمان چون بر زمين قدم مي‌زنند آرام و متواضعانه قدم مي‌زنند.[[68]](#footnote-69)

وَ إِذا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارينَ (130شعراء)

وَ كَمْ أَهْلَكْنا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشاً فَنَقَّبُوا فِي الْبِلادِ هَلْ مِنْ مَحيصٍ (ق 36)

أَ لَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِها أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِها أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِها أَمْ لَهُمْ آذانٌ يَسْمَعُونَ بِها قُلِ ادْعُوا شُرَكاءَكُمْ ثُمَّ كيدُونِ فَلا تُنْظِرُونِ (أعراف 195)

در بسیاری تفاسیر بطش را اخذ(گرفتن) با شدت و قدرت معنا کرده اند اما با توجه با عبارت فنقبوا فی البلاد (منظور راه خروج های زیر زمینی ای است که به عنوان گریزگاه در شهر برای کاخ های پادشاهان حفر می شد و الان هم در بسیاری قلعه های باستانی میراث تاریخی دیده می شود) که در سوره ق آمده است و عبارت اید یبطشون بها ظاهرا به فعل گرفتنی که با دست با قدرت و شدت انجام شود اطلاق می شود . در این آیه که درباره قوم عاد نازل شده است که در قدرت جسمی بصط یافته بودند و مردمانی قدرتمند بودند نیز در واقع معنايش همان دست دراز کردن براي گرفتن چيزي وگرفتن با دست با شدت و قدرت است. از ادامه آیات و آیات گذشته که همه درباره افعال مادی و صنعی قوم عاد و نعمات مادی خدا بحث می کند بر می آید که این بطش در این جا به معنای بطش در برگرفتن نعمات است چه نعمات زیرزمینی مانند مواد معدنی و چه نعمات رزقی مانند میوه ها، پس در آيه بطشتم جبارين منظور اين است که چرا زماني که نعمتی ما را از درخت و خلقت بر مي گيريد جبارانه برمي گيريد در صورت که در آيات متعدد آمده است که بايد شاکرانه و مانند عبد بر گيريد تا خداوند افزون نمايد و شما در مسير حقيقت هدف خود پيش رويد.

## ج) هدفمند بودن با اهداف الهی و عبث نبودن :

انجام عمل عبث و بي منفعت در طريق تعالي انساني به سخره گرفتن آفرينش الهي است. هر کاري که با معرفت و با غايت عقلاني و غير مادي انجام نشود در تعالي انسان اثري ندارد و از نظر اسلام مطلوب نيست البته نبايد اين نکته اشتباه شود که اسلام تنها عبادت غير مادي را کار مي داند بلکه اسلام مي خواهد با معرفت و آگاهي به همه افعال مومن رنگ الهي و عبادي بزند.

أَ تَبْنُونَ بِكلِّ رِيعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ ( شعراء128)

علامه طباطبایی در باره تفسیر این آیه می نویسد:

كلمه ((ريع )) به معناى نقطه بلندى است از زمين ، و كلمه ((آيت )) به معناى علامت و نشانه است و كلمه ((عبث )) به معناى آن كارى است كه هيچ نتيجه و غايتى بر آن مترتب نمى شود. گويا قوم هود (عليه السّلام ) در بالاى كوهها و نقاط بلند، ساختمانهايى مى ساختند، آن هم به بلندى كوه ، تا براى گردش و تفريح بدانجا روند، بدون اينكه غرض ديگرى در كار داشته باشند، بلكه صرفا به منظور فخر نمودن به ديگران و پيروى هوى و هوس ، كه در اين آيه ايشان را بر اين كارشان توبيخ مى كند. [[69]](#footnote-70)

## د) نگاه به خلقت به عنوان یک صنع حکیمانه و زنده و سعی در استفاده از ظرفیتهای مخلوقات خدا برای رفع نیاز :

نباید روحیه علوطلبی و استعلا و استکبار نسبت به خدای متعال در زمینه صنعت افسار انسان را دست بگیرد. اگر چنین شد بشر چموش و عصیانگر به مخالفت با خدا بر می خیزد و می گوید چون خداوند خاک را آفریده و با آن به صنع پرداخته من دیگر از خاک استفاده نخواهم کرد و من از سنگ سیمان می سازم و با سیمان مصنوعات خود را می سازم و خداوند خواهد دید که مصنوعات من از او محکمتر خواهد بود. چنین بشری دیگر درک نمی کند که خاک همان سنگی است که در سالیان دراز فرسایش یافته و زیر آفتاب و باد برای بهره بردن همه موجودات زنده آماده سازی شده است. اگر بشر خاک را کنار بگذارد حیوانات و گیاهان خاک را کنار نخواهند گذاشت و چون استفاده از خاک برای خانه سازی حکیمانه تر و زیباتر و عاقلانه تر است همه ی حیوانات و گیاهان در خاک رشد خواهند کرد و خواهند بالید و بشر جاهل هم روزی همین سیمانهایی که برای خود ساخته است بر سرش خواهند ریخت و او را نابود خواهند کرد. خانه ی خاکی تخریب شدنش بسیار نرم و لطیف است و به کسی آسیب نمی زند ولی خانه سیمانی یک قاتل بالفطره برای بشری است که در آن زندگی می کند و هر لحظه ممکن است مانند سنگ های سجیل بر سر ساکنش ببارد. در حالی که کلوخ های نرم خاک توان آسیب زدن به انسان را ندارند. حال اگر بشر با سیمان خانه ساخت خدا ضرر می کند یا انسان؟ البته شکر خدا اخیرا در کتابهای معماری جدید ندای معماری با خاک دوباره سر برآورده است و برخی مهندسین معماری که بویی از حکمت و عقلانیت برده اند پذیرفته اند که خاک برای معماری بهترین انتخاب است. به عنوان مثال کتاب معماری با خاک[[70]](#footnote-71) را ببینید.

استاد اصغر طاهرزاده در این باره می گوید:

يك كوزه را با يك بلوك سيماني مقايسه كنيد، كوزه‌گر كوزه را چگونه ساخته است؟ اوّل با زبان فطرت خود به خاك رُس گفته است كه اي خاك! تو چه چيزها مي‌تواني بشوي؟ خاك هم با زبان تكويني خود به او مي‌گويد: من مي‌توانم براي تو كوزه بشوم و لذا اين خاك با دستان هنرمند كوزه‌گر به صورت كوزه خود را ظاهر كرد، در واقع كوزه‌گر خاك را سركوب نكرد، بلكه برعكس؛ به انكشاف كشاند، لذا خاك توانست خودش را به صورت كوزه‌اي ظريف نشان دهد و عملاً با اين نوع برخوردِ كوزه‌گر با خاك، رازي از رازهاي خاك نمايان شد و آن كوزه يكي از نقطه‌هاي اُنس شما با طبيعت قرار گرفت. حال به من بگو كه آيا تمام اين وسايل موزه‌ها كه شما با نگاه كردن به آن‌ها، به عالم آرامش منتقل مي‌شويد، اين‌ها وسايل زندگي مردم بود يا اين‌ها را براي موزه‌ها ساخته بودند؟آيا غير از اين است كه اين‌ها وسايل زندگي مردم بوده ‌است و مردم با آن‌ها زندگي مي‌كرده‌اند؟ ولي مردمي كه با طبيعت تعامل كنند از خاك، كوزه مي‌‌سازند، نه بلوك سيماني. يعني بشرِ حكيم، طبيعت را براي زندگي خود، به صورت‌هاي زيبايي كه بتواند با آن زندگي كند و از طريق آن رازگشايي ‌كند در مي‌آورد. به همين جهت مي‌بينيد اكثر مردمِ قديم، به يك معني هنرمندند، چون در تعامل با طبيعت به دنبال رازگشايي از آن بوده‌اند و ما تمام وسايل زندگي بشر قديم را به عنوان هنر در موزه‌ها مي‌گذاريم. از خود بپرسيد كه چرا اين‌قدر روي اين كوزه وقت گذاشته‌اند؟ چرا اين‌قدر روي چوب اين تخت وقت صرف كرده‌اند؟ چه چيزي از اين تكه چوب انتظار داشته‌اند؟ همة اين‌ها به جهت آن است كه مي‌دانستند اين چوب اسراري دارد كه مي‌شود آن اسرار را به انكشاف آورد، و طوري اسرار آن را ظاهر كرد كه بتوان با آن مؤانست داشت. بشرِ حكيم مي‌دانست كه زندگي يعني مؤانستي قدسي با همه پديده‌هاي اطراف خود، تا از طريق آن مؤانست و ارتباط با باطن اين پديده‌ها، عقل و قلبش به سوي عالم معني اوج بگيرد، به همين جهت از وسايل زندگي و خانه خود خسته نمي‌شدند، تا تصميم بگيرند دائم آن‌ها را تغيير دهند، و به سوي ناكجاآبادِ وَهمي همواره همه‌چيز را عوض كنند. امروزه ساختمان‌ خانه‌ها را ملاحظه بفرماييد كه چگونه فضاهاي ساختمان‌ها با فشاري كه بر روح ما مي‌آورند گويا فرياد مي‌زنند كه از ما بيرون برويد، چون آن ساختمان‌ها عامل انكشاف حقايق باطني طبيعت نيست تا محل سكني و آرامش باشد، بلكه بيشتر حاصل سركوب طبيعت است[[71]](#footnote-72)... حالا در مقابل كوزه، بلوك سيماني را در نظر بگيريد كه حاصل سلطه بشر بر طبيعت است و نه حاصل تعامل بشر با طبيعت. اوّلين كاري كه بشر مدرن با نوع برداشت امثال فرانسيس‌بيكن از طبيعت، انجام داد اين بود كه طبيعت را ميراند. شما تفاوت خاك را با سيمان در نظر بگيريد. شما وقتي كه به خاك نگاه مي‌كنيد با وقتي كه به سيمان نگاه مي‌كنيد يك حالت نداريد، چون خاك مَحْرمِ جان ماست. ما با آن زندگي مي‌كنيم، صورت و جلوه تدبير خداي حكيم است، مي‌توانيم با آن به عنوان يك موجود زنده اُنس بگيريم و معاشقه ‌كنيم، در حالي‌كه سيمان صورت مرگ است. بشري كه همه طبيعت را مرده مي‌داند، نمي‌فهمد طبيعت را كشته است چون از اوّل آن را مرده مي‌دانست. خاك، صورت حيات است. برويد نگاه كنيد كه چگونه در كلاس‌هاي درس علوم، بشر را نسبت به فهم حيات طبيعت كور كردند. مي‌گويند خاك كه مرده است‌. حالا هر چه هم آن را حرارت مي‌دهي، تغييري در حال آن ايجاد نمي‌شود. معتقدند مرده كه مرده‌تر نمي‌شود. بعد شما مي‌بينيد طبيعتي كه خاك آن تبديل به سيمان شده، ديگر نمي‌تواند با شما ارتباط برقرار كند و زندگي در خانه‌هاي سيماني، عرصه زندگيِ همراه با آرامش را بر ما تنگ مي‌كند، بدون آن‌كه علت آن را بدانيم[[72]](#footnote-73).

اگر بگوييم که خب انسان هم ذوق و شوق خلاقیت دارد و خالقیت صفت خداست و خدا صانع است و خلیفه اش هم مي خواهد عالمانه صنع نمايد. در پاسخ باید گفت حکمت خلیفه الله در جواب به این سوال که اين احسن صنع بايد چگونه باشد خواهد گفت که چون خلقت خداوند عليم و حکيم در احسن شکل است پس بايد اين صنع جدید انسان هم مانند نمونه واقعي باشد. مثلا انسان مي خواهد وسيله حمل و نقل بسازد غايت علمي اين صنعت همان ساخت احسن وسائل نقلیه و حکیمانه ترین آنهاست که همان اسب است که خداوند پيشتر از باب رحمت و نعمت و کرمش برای بشر خلق کرده است و دیگر نیازی به صنع مجددش نیست.

امروزه تکنولوژی پیشرفته غربی به این نتیجه رسیده است که در باب ترجیح چرخ بر پا برای حمل و نقل اشتباه کرده است و پا از نظر مصرف انرژی و عدم نیاز به زیر ساخت بشرساز و گستره ی امکانی دسترسی صاحبش در کره زمین برتر از چرخ است. برای نمونه و شاهد این ادعا پروژه های بیگ داگ[[73]](#footnote-74) و پت من[[74]](#footnote-75) که در شرکت بوستون داینامیکس صنایع دفاع آمریکا در حال ساخت هستند و پروژه های دانشگاه ای پی اف ال سویس[[75]](#footnote-76) را ببینید.

البته فراموش نکنیم که انسان نمي تواند طبق صريح قرآن حتي يک پشه بسازد چه رسد به اسب ! پس بهتر است خضوع کند و علو طلبي ننمايد و میل با صنعش را در صناعت افعال و اعمال صالحه خویش به کار گیرد که همان طور که در احادیث آمده است اعمال صالح ما در دنیا معادلش در آخرت ساخت باغ ها و غرف بهشتی و نعمات بهشتی توسط فرشتگان است که صنع حقیقی انسان و تلاشش برای صنع باید معطوف به آن ها باشد.

داوود مهدی زادگان می نویسد :

بدون شك يكي از پيش فرض هاي فلسفي تكنولوژي مدرن آن است كه از طريق كشف قوانين طبيعت مي توان تكينك مدرن را پديد آورد. طبيعت، تكنيك يا صنع الهي است كه از قوانين قابل محاسبه ي عقلاني تبعيت مي كند. پس كافي است با محاسبه و كشف اين قوانين، مواد طبيعي را به گونه اي ديگر شكل بدهيم. شكل دادن هاي اجزاي طبيعت بر مبناي قوانين خود طبيعت، تكنيك بشري است. زيرا در اين شكل دادن و صورت پردازي مواد طبيعي، عقل بشري دخالت دارد و حاصل آن تكنولوژي يا هنر و صنعت آفرينش بشري است. در اينجا تكنولوژي بشري تابعي از تكنيك طبيعي يا صنع الهي است.

بشر هرگز قادر نيست قانون طبيعت را نفي نموده و قانوني خودبنياد يا بشري را جايگزين آن نمايد. نهايت توانايي عقل بشر در اين جهان آن است كه از قوانين طبيعت تبعيت نموده پديده هايي مشابه تكنيك طبيعي ابداع كند، بنابراين، تكنولوژي طبيعي نسبت به تكنولوژي مدرن يا بشري، اصالت دارد. تكنيك بشري فرع بر تكنيك الهي است. حال مي توان اين پرسش را طرح كرد كه كمال تكنولوژي مدرن به چيست؟ گفته شد كه كمال تكنولوژي به آن است كه فلسفه ي تكنيك در مقام بهره برداري معطوف به فلسفه ي وجودي تكنيك در مقام ثبوت يا پيدايش باشد؛ يعني بنياد مابعدالطبيعي (تكنولوژي پيرو) بايد همان بنياد فلسفي باشد كه (تكنولوژي پيشرو) بر آن بنياد پايه ريزي شده است. حال كه تكنيك بشري تابع و پيرو تكنيك طبيعي يا تكنيك الهي است، لاجرم كمال تكنولوژي بشري هنگامي تحقق مي يابد كه فلسفه ي وجوديش معطوف به بنياد مابعدالطبيعي تكنولوژي الهي (طبيعت) باشد. پس كمال مصنوعات بشري در انساني شدن نيست كه در الهي شدن است. آن گاه كه تكنيك بشري خداگونه شد، به كمال و غايت وجودي خود نزديك شده است. [[76]](#footnote-77)

پیشتر در باب رعایت حقوق مخلوقات خدا در این باره مفصل گفتیم که صنعت باید حقوق حیوانات و مخلوقات خدا را به رسمیت بشناسد و با خلق خدا محترمانه تعامل نماید. اما صنعتگر نیز باید این بینش را عینا در خود تقویت و زنده نگه دارد تا صنعتی که طراحی می کند دچار انحراف نشود.

## ه) پرهیز از خلود طلبی با صنایع و مخلوقات جدید :

وَ تَتَّخِذُونَ مَصانِعَ لَعَلَّكُمْ تخْلُدُونَ ( شعراء129)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد:

كلمه ((مصانع )) - به طورى كه گفته اند - به معناى قلعه هاى محكم و قصرهاى استوار و ساختمانهاى عالى است ، كه مفرد آن مصنع مى باشد. و اينكه فرمود: ((لعلكم تخلدون )) در مقام تعليل مطلب قبل است ، يعنى شما اين قصرها را بدين جهت مى سازيد كه اميد داريد جاودانه زنده بمانيد. و الا اگر چنين اميدى نمى داشتيد هرگز دست به چنين كارهايى نمى زديد، چون اين كارهايى كه مى كنيد و اين بناهايى كه مى سازيد طبعا سالهايى دراز باقى مى ماند، در حالى كه عمر طولانيترين افراد بشر از عمر آنها كوتاهتر است .[[77]](#footnote-78)

لعل عموما از باب رجا استفاده می شود و این که خدای متعال در این آیه لعل آورده است به این جهت است که ساخت این قلعه ها و مصانع امید به جاودانگی را در سازندگانشان تقویت می کرده است، حال چه امید به جاودان ماندان خود و زندگی طولانی تر خود در این قلعه ها و چه امید باقی ماندن نام شان به عنوان سازندگان این قلعه ها که آن هم سطحی از جاودانگی است. امروزه نه تنها در باب بناسازي, بسياري اميد جاودان ماندن اسمشان را دارند بلکه از ثبت اختراعات و رکوردهای گینس و اسم گذاري بر فرمولها و قوانین الهی و نسبت دادن علومي که خدا به آنها آموخته به خود در کتابهایشان نيز چنين انتظار و امیدی دارند و زهي خيال باطل .

جاودانه نشان دادن خود در قالب مصنوعات سنت رذیله ای است که از بسیاری شاهان و فرعون های زمانه یادگار مانده است و بسیاری از آثار تاریخی ای که در زمین به جا مانده است برای امید شاهان به خلود نامشان ساخته شده است غافل از این که خدای متعال نام ها را از بین برد و آثار را برای عبرت باقی گذاشت و بسیاری آثار تاریخی دقیقا مشخص نیست به وسیله چه کسی فرمان ساخته شدنش داده شده است و اگر هم مشخص باشد بشر این عصر بیشتر از باب طراحی و مهندسی و جامعه شناسی و فرهنگ آن دوره به اثر نگاه می کند تا از دید عظمت امیری که فرمان ساخته آن را صادر کرده است اما متاسفانه جهل شیطانی این وهم را بر شاهان پیشین باورانده بوده است.

نگاه صنعتگر امروز به طراحی اش باید مانند نگاهش به یک نعمت الهی که به الهام الهی ساخته شده است باشد و فاعل را خدا ببیند تا دچار رجای خلود از صنعش نشود.

## و) نگاه موحدانه به صنعت و اعتقاد به فاعلیت خدا در ساخت

خدای متعال در قرآن کریم همه شئون مرتبط با صناعات اسلامی را از ناحیه خود ذکر می کند اعم ازساخت و وحی دستورالعمل ساخت و حرکت و سکونت. از طرفی در مورد گوساله ی طلایی سامری که یک صنعت شیطانی است خداوند از ساخت آن به مایخرج سامری تعبیر می کند و با تعابیری چون ضلالت و سول نفس از جاهلانه و ظالمانه بودن آن می گوید و در نهایت به موسی امر می کند که گوساله را بسوزانند و خاکسترش را هم باد بدهند تا اثری از آن نماند.

صنعتگر مسلمان باید دارای توحید افعالی باشد و خداوند را صانع کل مصنوع بداند و برای خود شانیتی در خالقیت و صانعیت قائل نباشد و همه را از جانب خدای متعال انجام دهد و به دستورالعمل خدای متعال در ساخت عمل کند. و بداند صنایع شیطانی که به الهام شیطان ساخته می شوند عاقیتی بهتر از گوساله ی طلایی سامری ندارند.

## ز) نیازمحوری و نه خلاقیت محوری و ابتکار محوری

باید همواره به این نکته توجه داشت که ابزارهای زیاد در خانه انسان مایه ی پیشرفته بودن یک انسان نیست و اصولا هر ابزاری در خانه انسان باید نشان از نیازی باشد و نه صرفا برای تزیین خانه و یافخر فروشی به دیگر انسانهای ابزارگرا و تکنیک پرست. متاسفانه امروز بسیار دیده می شود که افراد در خانه ی خود بسیاری اسباب ها و وسایلی دارند که ناشی از نیازهای حقیقی نیستند و صرفا بر مبنای این که رسانه ها در دوره ای با تبلیغات فربنده به شخص باورانده اند که بله فلان ابزار نیاز امروز توست و تو باید داشته باشی و انسان مسخ شده نیز این ابزار را تهیه کرده و احیانا چند روزی با آن در خانه خود را مشغول کرده و بعد که دیده است که نه، نیازی به آن ندارد آن را به گوشه ی انبار انداخته است. امروز برای اثاث کشی از خانه ای به خانه ای دیگر عموما دیگر یک وانت و یا نیسان کفایت نمی کند و حداقل یک کامیون ابزار و اثاث در خانه هر کس یافت می شود. به عنوان مثال در دوره ای در همین مملکت تبلیغات تلویزیونی زیادی برای فروش ابزاری به نام آتروپات صورت گرفت و بسیاری از مردم هم جاهلانه این وسیله را خریداری کردند و چند روزی از آن استفاده هم می کردند اما بعد متوجه شدند که به این وسیله نیازی ندارند. البته قصد حقیر تحقیر این ابتکار و خلاقیت سازنده ی آتروپات نیست بلکه بحث بر سر این است که اگر نیازها محور صنعت نباشند در آن صورت اگر همه مردم هم به کارهای صنعتی روی آورند باز هم برای تولید مخلوقات ذهنی انسان ها کفایت نمی کند هر انسانی ده ها ابزار خیالی به ذهنش می رسد و در ذهن خود نیز برای آنها بلافاصله نیاز می تراشد و چه بسا با گرفتن وامی بسیاری را به تولید این ابزارها بگیرد در حالی که اصولا این وسیله و ابزار جزو نیازهای صنعتی و ابزاری حقیقی بشر نبوده است. در هر حال باید برای نیازهای صنعتی بشر شاخص ها و اصولی تعیین شود و یقینا این نیازها هیچ گاه به حدی گسترده نخواهند بود که همه ملت به بخش صنعت روی آورند. بلکه هر قدر ملت از بخش صنعت به بخش کشاورزی مهاجرت کنند از نظر اسلام مطلوب تر است و در اسلام شغل مطلوب برای بشر کشاورزی یاد شده است :

خیر الاعمال الحرث ،ما في الأعمالِ شَي‏ءٌ أحَبَ‏إلى اللَّهِ تعالى‏ مِنَ الزِّراعَةِ، وما بَعَثَ اللَّهُ نبيّاً إلّا زَرّاعاً إلّا إدريسَ عليه السلام فإنَّهُ كانَ خَيّاطاً،[[78]](#footnote-79) ان استطعت ان لا یکون بینک و بین الله ذو نعمه فافعل[[79]](#footnote-80)

علت هم پیش تر اشاره شد که درس های متنوع و گوناگون الهی موجود در کشاورزی است که به صورت عملی به انسان می آموزد. البته مقصود از کشاورزی، کشاورزی حکیمانه و عابدانه است نه کشاورزی های حریصانه و عجولانه و ظالمانه که متاسفانه امروزه به نام کشاورزی صنعتی و علمی مطرح است.

پرهیز از ساختن بدون در نظر گرفتن نیاز و فقط ساختن برای ساختن و خلق کردن یکی از مهمترین نکاتی است که در صنعت اسلامی باید به آن توجه شود.

استاد طاهر زاده می گوید:

انسان وقتي هدف خود را شناخت از وسايل در آن حدّي که او را به اهدافش نزديک کند به خوبي استفاده مي‌کند، و ديگر موضوع بهترين يا بدترين وسيله مطرح نيست، بلکه وسيله خوب براي انسان آن وسيله‌اي است که او را در رسيدن به هدف ياري کند. در اين‌جاست که اگر وسيله‌اي او را مشغول خودش کرد تصميم مي‌گيرد از آن وسيله فاصله بگيرد، ديگر به خودِ وسيله فکر نمي‌کند به هدف فکر مي‌کند، در اين صورت اگر به ما بگويند درست است که شما براي ساختن خانه با همين نوع آجر و کاشي مي‌تواني خانه خود را بسازي، ولي آجر و کاشي بهتري هم هست، شما مي‌پرسيد بهتر براي چه؟ اگر من مي‌توانم با اين آجر و کاشي به مقصد خود برسم ديگر بهتر به چه معني است؟ آري اگر مقصد من و شما داشتن بهترين کاشي و آجر است، بايد دائماً به دنبال بهترين باشيم. ولي اگر مقصد ما ساختن خانه مناسبي است که بتوانيم در آن زندگي کنيم، ديگر بهترين معني ندارد، بهترين همان است که من بتوانم از آن به مقصد خودم که چيزي بالاتر از داشتن بهترين ابزار است، برسم. اما و صد امّا اگر خدا گم شد، بهترداشتنِ دنيا مقصد انسان مي‌شود، اَعم از بهتر داشتن خانه يا ماشين، چون خودِ بهترداشتن مقصد است، اما نه خدايي که بهترين مقصد است. خاستگاه فکري و فرهنگي تکنولوژي موجود ريشه در بهتر داشتن ابزارها دارد وگرنه بسياري از وسايل موجود زائد است و انسان‌ها را تنبل و زندگي‌ها را پيچيده کرده است. کمپاني‌هاي بزرگ توليد کننده وسايل زندگي متوجه چنين نقطه ضعفي در بشرِ بريده از خدا شده‌اند و لذا با انواع تغييرات وَهم‌پسند به راحتي کالاهاي خود را بر روح و روان مردم تحميل مي‌کنند و با ايجاد نيازهاي کاذب زندگي بشر را تحت سيطره انواع تکنولوژي‌ها قرار داده‌اند. راستي اگر مشکل شما با اين ظرف مرتفع مي‌شود، به من و شما چه مربوط است که مُد جديدي از اين نوع ظرف در بازار آمده است. [[80]](#footnote-81)

استاد سید مهدی میرباقری درباب نوآوری در تمدن اسلامی می نویسد :

نوآوری حتماً باید چند شاخصه داشته باشد: اولین شاخصه‌اش این است كه باید در جهت تعبد باشد؛ یعنی تعبد در آن حاكم باشد، ‌چرا که اگر نوآوری مبتنی بر تعبد نباشد به کار تمدن اسلامی نمی‌‌آید؛ به ویژه اینكه نوآوری در جهان زیاد است! دوم این‌كه نوآوری باید قاعده‌مند باشد؛ یعنی اصول تفاهم علمی با نخبگان را در هر حوزه‌ای داشته باشد. اگر در حوزه فقاهت یا در حوزه دانش‌های تخصصی و یا در حوزه مفاهیم بنیادی است، باید با مردان میدان آن حوزه، قدرت تفاهم داشته باشد و خلاصه اینکه كاملاً قاعده‌مند و منضبط باشد. سوم این كه نوآوری باید كارآمد باشد؛ یعنی حتی در نظری‌ترین محدوده‌ها اگر سخن می‌گوییم باید تلاش كنیم كه در همان محدوده كارآمدی داشته باشد و به بحث‌های نظری محض و خالی از غایت عملی تبدیل نشود. بنابراین، ما با این سه شاخصه نیاز به نوآوری داریم.[[81]](#footnote-82)

البته این شاخص ها بیشتر در باب نوآوری نظری طرح شده است اما شکی نیست که نوآوری های صنعتی و فنآوری هم باید در جهت عبودیت و رفع نیازهای انسان مسلمان و نه انسان لیبرال مترف و متکاثر باشند.

## ح) اعتقاد به قویتر بودن سنت های الهی از ابزارهای بشری:

وقتي انسان از رابطه تکوين با تشريع در عالم هستي غافل شد و گمان کرد نظام الهي نسبت به هر فکر و عملي بي‌تفاوت است، بدون رعايت هيچ محدوديتي به هر اقدامي دست مي‌زند و تلاش مي‌کند هر تصوري را که در خيال خود دارد در خارج از خيال صورت عملي بدان بپوشاند، تنها مانع عملي نشدن صورت‌هاي وَهمي خود را نداشتن ابزار مناسب مي‌داند و لذا اگر توانست ابزار مناسب آن را بسازد ديگر بدون هيچ فکري دست به اقدام مي‌زند. با چنين روحيه‌اي ماشين‌هاي غول‌آسا و اسلحه‌هاي مخوف ساخته شد، تا به وسيله‌ي ماشين‌هاي غول‌آسا هر کار خواستند در تغيير نظام طبيعت انجام دهند و با اسلحه‌هاي مخوف هر ملتي را که خواستند نابود کنند. غافل از اين که در اوج رسيدن به اميال خود، با سنن الهي روبه‌رو مي‌شوند[[82]](#footnote-83)... اين که به راحتي هر ماشيني را مي‌سازند و به عواقب زيست‌محيطي آن فکر نمي‌کنند و سعي مي‌شود هر روز با اسلحه‌هاي مخوف‌تر ملت‌ها را مرعوب کنند، به جهت غفلت آنها از حضور سنن الهي در هستي است.[[83]](#footnote-84)

## ط) فروش فناوری به اهل آن :

آیت الله جوادی آملی در کتاب اسلام و محیط زیست چنین می نویسد :

این یک دستور اسلامی انسانی است که اجازه نمی دهد کسی از فرصت تلخ سوزندگی و گدازندگی زمان جنگ، سو استفاده کند یا زمینه تخریب و آدم کشی را با فروش اسلحه های تهاجمی فراهم سازد یا با تبعیض و جانبداری از نژاد خاص یا صنف مخصوص یا حزب معین یا دسته ی مشخص و مانند آن، سبب برتری و افزون خواهی گروهی را بر گروه دیگر تامین نماید و در نتیجه استکبار را تقویت کند، بلکه یک انسان آزاده و رهای از بند آز و دام حرص و زنجیر زراندوزی و تله طمع ورزی موظف است به منظور پاسداری از خون انسانهای همنوع و جلوگیری از تخریب و تهاجم و ویرانی به هر دو گروه درگیر و رزمجو بفروشد،نه به یک گروه و آن هم سلاح دفاعی، نه تخریبی، لذا حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: ((بعهما ما یکنّهما؛ الدرع و الخفین و نحو هذا)) یعنی به هر دو گروه آنچه حافظ و نگهبانشان است و کانون پاسداری و صیانت از خونریزی است مانند زره و ... بفروش.[[84]](#footnote-85)

در جای جای احکام فقهی اشاره شده است که مومن باید بداند طرف معامله او کیست و شناخت طرف مقابل مسئولیت زاست و معامله با برخی افراد حرام و یا فروش برخی فناوری ها به برخی حرام است.

# نتیجه گیری :

آنچه در این مقاله با شما عزیزان طرح و بررسی شد بخشی از مسائلی است که از سال 87 تا 91 دغدغه حقیر بوده است و در این مقاله برخی یادداشت های قرآن محور حقیر جمع آوری و به همراه احادیث و نظرات ارزشمند علما و متفکرین معاصر جهان تشیع مجموعا خدمت شما عزیزان ارائه شد. ان شاء الله خدای متعال صنعت ما را صنعتی اسلامی و الهی و توحیدی و فن آوران این مرزو بوم را فن آوران قرآنی قرار دهد و مجاری انرژی و ابزارهای در دست مردم ما نیز مرضی رضای خدای تعالی قرار گیرد به برکت صلوات بر محمد و آل پاک و مطهر و معصومش.

# باقی مقالات:

در مقالات بعدی ان شاء الله به موضوعات زیر خواهیم پرداخت.

1. دسته بندی صنایع اسلامی و نیازهای ابزاری مسلمانان
2. نظام و صنعت توزیع آب اسلامی
3. صنایع نظامی اسلامی
4. صنایع مسکن سازی و شهرسازی اسلامی
5. صنایع کشاورزی و صنایع غذایی اسلامی
6. صنایع حمل و نقل اسلامی
7. نظام جریان انرژی در صنعت اسلامی و جامعه اسلامی
8. بحث درباره آیه واستعمرکم فیها و عمارت در زمین

پیشنهادات :

1. پیشنهاد تشکیل شورای فقهی صنعت، فنآوری و انرژی مرکب از فقهای صاحب نظر در بحث صنعت در قرآن و حدیث
2. تصویب نقشه جامع فن آوری و صنعت اسلامی در شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی
3. ابلاغ سیاست های کلی بخش صنعت توسط امام خامنه ای به همه مسئولان و دست اندرکاران صنایع کشور
4. تاسیس کرسی هایی برای درس صنعت اسلامی در حوزه و دانشگاه
5. تعریف درس صنعت اسلامی به عنوان درس اجباری برای دانشجویان رشته های مهندسی

# تشکر و تقدیم :

از همه برادران عزیزی که با مطالعه این مقاله در بهتر شدن و متقن تر شدن متن حقیر را یاری کردند متشکرم و برای همه آرزوی توفیقات اسلامی روزافزون دارم.

این مقاله را تقدیم می کنم در وهله اول به کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و خاندان مطهر اهل بیت عصمت و طهارت و خصوصا امام زمان ارواحنا لتراب مقدمه الفدا و سپس حضرت امام خمینی و حضرت امام خامنه ای و شهدای دفاع مقدس خصوصا دایی شهیدم عبدالله خسروی و به پدر و مادر و همسر عزیزم و همه اساتیدی که در رشد علمی حقیر سهمی داشته اند. امید است مرضی خدای متعال قرار گیرد. آبان 91 الظلوم الجهول الحقیر محسن بهرامی

منابع:

1. قرآن کریم
2. امام علی ابن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، گردآوری سید رضی
3. جعفری محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ، ج 25
4. جعفری محمد تقی، فلسفه دین، چاپ اوّل، مؤسسه فرهنگی اندیشه 1375
5. رضایی عبدالعلی ، تحلیل ماهیت تکنولوژی،انتشارات مجنون، 1383
6. طاهرزاده اصغر ،گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ،انتشارات لب المیزان، چاپ .. اصفهان 1387
7. جوادی آملی عبدالله ؛ اسلام و محیط زیست ،نشر اسراء، چاپ سوم، قم 1386
8. جوادی آملی ، عبدالله؛ ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت،چاپ هفتم،نشر اسراء ، قم
9. موسوی خمینی روح الله، صحیفه نور جلد 18
10. طباطبایی سید محمد حسین ؛ تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، نسخه اینترنتی : سایت ghadeer.org
11. چمران مصطفی ؛بینش و نیایش انتشارات : دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ : 18سال چاپ : 1387
12. حسینی خامنه ای سید علی؛ بخش بیانات سایت دفتر و حفظ و نشر آثار ایشان http://khamenei.ir
13. هفته نامه صبح صادق؛ شماره 476، تهران سال 1389
14. مجله مبلغان؛ شماره 100، قم بهمن و اسفند 1386
15. شريعتي علي ؛ ويژگيهاي قرون جديد، دفتر تدوين و تنظيم مجموعه آثار، تهران، تابستان 67
16. شريعتي علي ؛ تاريخ تمدن، ج 2 انتشارات قلم ، تهران، 1375
17. مطهری مرتضی، تکامل اجتماعي انسان ، نسخه نرم افزار مطهر 3.1 موسسه نرم افزاری نور
18. مطهری، مرتضی؛ ده گفتار، چاپ پنجم، صدرا، تهران1368
19. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، چاپ ششم، صدرا، تهران،1375
20. مکارم شیرازی ناصر، حكومت جهانى مهدى (عج)، قم: انتشارات نسل جوان، چاپ یازدهم، 1380
21. اسلامي ندوشن محمد علي ؛ گفتيم و نگفتيم، انتشارات يزدان
22. زنجانی، احمد؛ الكلام یجبر الكلام، چاپ سوم، انتشارات حق بین، قم 1368، ج 1
23. مبتکرسرابی اسفندیار ، اشتیاق حضور ،نشر نماز، ستاد مرکزی اقامه نماز ، چاپ اول مهر 1380
24. یوسف حسن،احمد و ر.هیل، دانلد؛ تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی، مترجم ناصر موفقیان، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول تهران 1375
25. مجموعة ورام، ج‏1 بنياد پژوهشهاى اسلامى، 1365
26. دوتیه، ژان، معماری با خاک یا آینده­ی سنتی هزاران ساله، ترجمه‌ی محمّد احمدی‌نژاد، نشر خاک، تهران 1385.
27. کتاب مبانی نظری و عملی مهندسی مکانیک در تمدن اسلامی‌ ،الجامع بین العلم و العمل النافع فی صناعة الحیل، تألیف:بدیع الزمان ابن العز بن اسماعیل الجزری ترجمه و تحشیه:محمد جواد ناطق،حمید رضا نفیسی،سعید رفعت جاه ناشر:مرکز نشر دانشگاهی،تهران،چاپ اول،1380

1. جعفری محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ، ج 25، ص 125 و فلسفه دین، ص 188 [↑](#footnote-ref-2)
2. ، مصاحبه با حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه، هفته نامه صبح صادق شماره 476، سال 1389 ، ص 10 [↑](#footnote-ref-3)
3. مصاحبه با حجت الاسلام حجت الله بیات، مجله مبلغان شماره 100، بهمن و اسفند 86، ص 141 [↑](#footnote-ref-4)
4. زنجانی، احمد؛ الكلام یجبر الكلام، چاپ سوم، انتشارات حق بین، قم 1368، ج 1، ص 124. [↑](#footnote-ref-5)
5. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، چاپ ششم، صدرا، تهران،1375، ج2 ، ص 120 و مطهری، مرتضی؛ ده گفتار، چاپ پنجم، صدرا، تهران1368 ، ص 123 [↑](#footnote-ref-6)
6. مطهری، مرتضی؛ ده گفتار، چاپ پنجم، صدرا، تهران1368 ، ص 125 [↑](#footnote-ref-7)
7. جوادی آملی ، عبدالله؛ ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت،چاپ هفتم،نشر اسراء ، قم 1387، ص 113 [↑](#footnote-ref-8)
8. موسوی خمینی روح الله، صحیفه نور جلد 18 ص 218 [↑](#footnote-ref-9)
9. بيانات در بازديد از توانمنديهاى صنعت خودروسازى - ۱۳۸۹/۰۱/۰۹ سایت خامنه ای دات آی آر [↑](#footnote-ref-10)
10. سایت ستاد صافا :

    http:// safa.mim.gov.ir [↑](#footnote-ref-11)
11. http://www.gostareshonline.com/leading-article/64804-2010-11-02-21-46-59.html

    رویت شده در مهر 91 [↑](#footnote-ref-12)
12. سایت وزارت صنایع و معادن، بازدید آبان 91 :

    http://mimt.gov.ir/index.php?name=news&file=article&sid=44739 [↑](#footnote-ref-13)
13. http://www.rovzaneh.com/fa

    رویت شده در مهر 91

    اطلاعات دیگر ذکر شده درباره موسسه:آدرس : سبزوار ، خیابان کاشفی شمالی ، جنب اداره پست ، فرهنگسرای آفتاب - کدپستی:9613835145 - صندوق پستی:333 تلفن : 9-2244006 فکس : 2244006 [↑](#footnote-ref-14)
14. یوسف حسن،احمد و ر.هیل، دانلد؛ تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی، مترجم ناصر موفقیان [↑](#footnote-ref-15)
15. کتاب مبانی نظری و عملی مهندسی مکانیک در تمدن اسلامی‌ ،الجامع بین العلم و العمل النافع فی صناعة الحیل، تألیف:بدیع الزمان ابن العز بن اسماعیل الجزری [↑](#footnote-ref-16)
16. مکارم شیرازی ناصر، حكومت جهانى مهدى (عج)، ص214 و 215 [↑](#footnote-ref-17)
17. مکارم شیرازی ناصر، حكومت جهانى مهدى (عج)، ص243 و 244 [↑](#footnote-ref-18)
18. طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم ص 76 [↑](#footnote-ref-19)
19. طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص 89 و 90 [↑](#footnote-ref-20)
20. همان ص 99 [↑](#footnote-ref-21)
21. رضایی عبدالعلی ؛ تحلیل ماهیت تکنولوژی ، ص 306 [↑](#footnote-ref-22)
22. علامه طباطبایی سید محمد حسین ، ترجمه تفسير الميزان جلد 2 صفحه 175 [↑](#footnote-ref-23)
23. نهج البلاغه خطبه اول [↑](#footnote-ref-24)
24. سوره بقره آیه 71 [↑](#footnote-ref-25)
25. for example :Survive the Jungle: Life or Death Game : Discovery Channel Doc [↑](#footnote-ref-26)
26. طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص 11 [↑](#footnote-ref-27)
27. همان ص 55 [↑](#footnote-ref-28)
28. همان ص 58 [↑](#footnote-ref-29)
29. همان ص 60 [↑](#footnote-ref-30)
30. همان ص 78 [↑](#footnote-ref-31)
31. چمران مصطفی ، بینش و نیایش ص 17 [↑](#footnote-ref-32)
32. سید احمد هاشمی ، وبلاگ شخصی :

    http://loghman2000.blogfa.com/post-16.aspx [↑](#footnote-ref-33)
33. برای پیگیری مطلب در قرآن کریم بلد امین و بلدا آمنا و آمنهم من جوع جستجو شود. [↑](#footnote-ref-34)
34. همان : ادامه بحث نیز زیباست فرصت کردید مطالعه نمایید. [↑](#footnote-ref-35)
35. مبتکرسرابی اسفندیار ، اشتیاق حضور [↑](#footnote-ref-36)
36. طباطبایی سید محمد حسین، تفسیر شریف المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج 5 ص 268 [↑](#footnote-ref-37)
37. جوادی آملی عبدالله، اسلام و محیط زیست ص 23 و 24 [↑](#footnote-ref-38)
38. همان ص 24 و 27 و و28 [↑](#footnote-ref-39)
39. همان ص 40 و 41 [↑](#footnote-ref-40)
40. پيام امام خامنه ای به مناسبت برگزارى همايش حقوق محيط زيست ایران، بیستم خرداد هشتاد و دو، منبع سایت خامنه ای دات آی آر [↑](#footnote-ref-41)
41. جوادی آملی عبدالله، اسلام و محیط زیست ص 21 و22 [↑](#footnote-ref-42)
42. طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، 62 و 63 [↑](#footnote-ref-43)
43. مطهری مرتضی، تکامل اجتماعي انسان ،ص 22 و 23 [↑](#footnote-ref-44)
44. مهجة البيضاء، ج 5 ، ص 60. [↑](#footnote-ref-45)
45. طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص 60 [↑](#footnote-ref-46)
46. همان ص 60 [↑](#footnote-ref-47)
47. نهج الفصاحه، ج 2 ص 683 [↑](#footnote-ref-48)
48. همان ص 691 [↑](#footnote-ref-49)
49. جوادی آملی عبدالله، اسلام و محیط زیست ص 259 [↑](#footnote-ref-50)
50. همان ص 55 [↑](#footnote-ref-51)
51. همان ص 65 و 66 [↑](#footnote-ref-52)
52. طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ،ص 63 [↑](#footnote-ref-53)
53. شريعتي علي ، ويژگيهاي قرون جديد، دفتر تدوين و تنظيم مجموعه آثار تابستان 67. ، ص 364 [↑](#footnote-ref-54)
54. شريعتي علي ، تاريخ تمدن، ج 2 ص 238 [↑](#footnote-ref-55)
55. اسلامي ندوشن محمد علي ، گفتيم و نگفتيم، انتشارات يزدان. ص 69 [↑](#footnote-ref-56)
56. آوینی مرتضی ؛ مقاله آزادی قلم، نسخه اینترنتی سایت شهید آوینی :

    http://www.aviny.com/Article/aviny/Chapters/Azadighalam.aspx [↑](#footnote-ref-57)
57. طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص 109 [↑](#footnote-ref-58)
58. نگاه کنید به مقاله جهاد و دفاع در قرآن، آيت الله مكارم شيرازي، پيام قرآن، ج10، ص351 [↑](#footnote-ref-59)
59. همان [↑](#footnote-ref-60)
60. همان ص 64 [↑](#footnote-ref-61)
61. مجموعة ورام، ج‏1 بنياد پژوهشهاى اسلامى، 1365، ص156. [↑](#footnote-ref-62)
62. طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ،ص 68 [↑](#footnote-ref-63)
63. همان ،ص 87 [↑](#footnote-ref-64)
64. وسائل الشيعه، ج 1، ص 482 [↑](#footnote-ref-65)
65. طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص 88 [↑](#footnote-ref-66)
66. طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص 107 و 108 [↑](#footnote-ref-67)
67. علامه طباطبایی سید محمد حسین ، ترجمه تفسير الميزان ج 14 ص 436 [↑](#footnote-ref-68)
68. طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم ص 86 [↑](#footnote-ref-69)
69. علامه طباطبایی سید محمد حسین ، ترجمه تفسير الميزان ج15 ص 419 [↑](#footnote-ref-70)
70. دوتیه، ژان، معماری با خاک یا آینده­ی سنتی هزاران ساله، ترجمه‌ی محمّد احمدی‌نژاد [↑](#footnote-ref-71)
71. طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم ، ص 65 و 66 [↑](#footnote-ref-72)
72. همان ص 73 و 74 [↑](#footnote-ref-73)
73. http://en.wikipedia.org/wiki/BigDog [↑](#footnote-ref-74)
74. http://www.bostondynamics.com/robot\_petman.html [↑](#footnote-ref-75)
75. http://biorob.epfl.ch/ [↑](#footnote-ref-76)
76. مهدیزادگان داوود، مقاله ی دين، علم و تكنولوژي ،آدرس اینترنتی مقاله :

    http://www.bashgah.net/fa/content/show/3635

    رویت شده در آبان 91 [↑](#footnote-ref-77)
77. علامه طباطبایی سید محمد حسین ، ترجمه تفسير الميزان ج15 ص 419 [↑](#footnote-ref-78)
78. الکافی ج5 باب فضل الزراعة ، نسخه اینترنتی سایت آیت الله مکارم شیرازی :

    http://makarem.ir/websites/farsi/library/book.php?bi=37&itg=12&s=ca [↑](#footnote-ref-79)
79. نهج البلاغه ، نامه 31 [↑](#footnote-ref-80)
80. طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم ، ص 32 [↑](#footnote-ref-81)
81. وبلاگ آثار سید مهدی میرباقری رویت شده در آبان 91 :

    http://mir7.blogfa.com/post-2.aspx [↑](#footnote-ref-82)
82. طاهرزاده اصغر ، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص 151 [↑](#footnote-ref-83)
83. همان ص 153 [↑](#footnote-ref-84)
84. جوادی آملی عبدالله، اسلام و محیط زیست ص 141 [↑](#footnote-ref-85)